



با خط درشت و در یک ستون، ویژه مطالعه روی کامپیوتر، تلفن دستی و ای پاد

شماره ۴۱۱، یکشنبه اول اردیبهشت ۱۳۹۸ - ۲۱ آوریل ۲۰۱۹

سر دبیر: زینت میرهاشمی

هیات دبیران: منصور امان، زینت میرهاشمی

هیات تحریریه: منصور امان، زینت میرهاشمی، مهدی سامع

همکاران نشریه: امید برهانی، فرنگیس بایقره، اسد طاهری، کامران عالمی نژاد، فتح الله کیائیا

در این شماره می خوانید:

۹۴۷۳ حرکت اعتراضی/ ترازنامه جنبش رنگین کمان بیشماران در سال ۱۳۹۷.....ص ۲

فجایع سیل، آیینہ تمام نمای رژیم - مهدی سامعص ۳

هیولا در تله - منصور امانص ۵

یک سال پُر خروش با جنبش تهیدستان برای نان، کار و آزادی - زینت میرهاشمیص ۸

امنیت کشور یا کشور امنیتی - سعید حسن زادهص ۱۰

چالشهای معلمان (فروردین ۹۸) - فرنگیس بایقرهص ۱۱

دانشگاه در ماهی که گذشت (فروردین ۹۸) - کامران عالمی نژادص ۱۶

کارورزان سلامت (فروردین ۹۸) - امید برهانیص ۲۲

زنان در مسیر رهایی (فروردین ۹۸) - اسد طاهریص ۲۶

رویدادهای هنری ماه (فروردین ۹۸) - فتح الله کیائیاص ۳۱

در سایه خنجر - م. وحیدی (م. صبح)ص ۳۶

سیل و ویرانی، حاصل چهل سال چپاول و جنایت - زینت میرهاشمیص ۳۷

سیل و سپاه همدست در ویرانی - منصور امانص ۳۸

بررسی حلقه های ادبی آیت الله خامنه ای - سعید حسن زاده...ص ۳۹

جنبش رنگین کمان بیشماران (فروردین ۹۸) - زینت میرهاشمیص ۴۰

پرونده آسانژ - تاتس/ گاردین/ اشپیگل/ برگردان: بابکص ۴۶

خروش مردم اهواز، پاسخ به تبهکاری سپاه - زینت میرهاشمیص ۴۹

ورود حشدالشعبی؛ گامی در جهت "سوریه ای" کردن ایران - منصور امانص ۵۱

ارسال علامت اشتباه در باره جنایت نیوزیلند - منصور امانص ۵۰

تحریمها؛ حزب الله بی پول، سوریه در صف نفت و بنزین - منصور امانص ۵۱

شهادای فدایی در اردیبهشت ماهص ۵۳

۹۴۷۳ حرکت اعتراضی ترازنامه جنبش رنگین کمان بیشماران در سال ۱۳۹۷

چند توضیح:

* ۹۴۷۳ حرکت اعتراضی نیروهای کار در سال ۱۳۹۷ خورشیدی که در ترازنامه زیر جمع آوری شده فقط مربوط به خیزشهای توده ای و جنبش اعتراضی کارگران، کشاورزان، معلمان، بازنشستگان، پرستاران، کامیونداران، بازاریان، مدافعان حفاظت از محیط زیست و ... است که هر ماه در نشریه نبرد خلق به شکل مشروح تری همراه با منبع خبر منتشر شده است. از این تعداد نزدیک به ۵ هزار روز حرکت مربوط به کامیونداران و رانندگان ماشینهای سنگین است. * در این بیلان بسیاری از حرکتهای اعتراضی که در رسانه های جمعی پوشش خبری نداشته و یا ما آن را ندیده ایم، وجود ندارد. بنابراین این لیست نمی تواند کامل باشد.

* بیلان ۲۴۳ حرکت اعتراضی دانشجویان از ۱۶ آذر سال ۱۳۹۶ تا ۱۶ آذر سال ۱۳۹۷ به مناسبت روز دانشجو در شماره ۴۰۶ ماهنامه نبرد خلق منتشر شده است.

* «ابعاد خیزش بیشماران را می توان از مقایسه تعداد حرکتهای اعتراضی از سال ۱۳۹۰ تاکنون به خوبی دریافت. بر اساس گزارشهای منابع رسمی در سال ۱۳۹۰، ۳۵۰ حرکت، در سال ۱۳۹۱، ۴۴۶ حرکت، در سال ۱۳۹۲، ۵۵۶ حرکت، در سال ۱۳۹۳، ۹۹۵ حرکت، در سال ۱۳۹۴، ۱۵۶۸ حرکت، در سال ۱۳۹۵، ۱۹۵۶ حرکت و در سال ۱۳۹۶، ۲۰۴۹ حرکت بدون محاسبه خیزشهای دی ماه ۱۳۹۶ و حرکتهای اعتراضی غارت شدگان، از جانب نیروهای کار صورت گرفته است.» (گزارش سیاسی مصوب دهمین اجلاس

شورای عالی سچفخا، یکشنبه ۴ فروردین ۱۳۹۸ برابر با ۲۴ مارس ۲۰۱۹)

* در این بیلان هر گاه کارگران یک واحد چند روز متوالی اقدام به حرکت اعتراضی کرده اند، هر روز یک حرکت به حساب آمده است.

* برای اطلاع روزانه از چالشها و حرکتهای اعتراضی کارگران، مزدبگیران، پرستاران، معلمان و دانشجویان ایران به سایت جنگ خبر مراجعه کنید:

* نبردخلق در هر ماه فشرده حرکتهای اعتراضی کارگران، کشاورزان، بازنشستگان، معلمان، پرستاران و کامیونداران، دانشجویان را منتشر می کند. برای اطلاع از این اخبار به سایت ایران نبرد و یا کانال تلگرام نبرد خلق مراجعه کنید

دبیر خانه سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

شنبه ۳۱ فروردین ۱۳۹۸ - ۲۰ آوریل ۲۰۱۹

برای مطالعه این ترازنامه به آدرس زیر مراجعه کنید:

[http://www.iran-](http://www.iran-nabard.com/etelayeha/1397%20bilan%20jonbesh%20karegari.pdf)

[nabard.com/etelayeha/1397%20bilan%20jonbesh%20karegari.pdf](http://www.iran-nabard.com/etelayeha/1397%20bilan%20jonbesh%20karegari.pdf)

«ما بی شمارانیم و برای سرنگونی رژیم استبدادی مذهبی ولایت فقیه متحد و متشکل می شویم»

«مرگ بر دیکتاتوری، مرگ بر خامنه ای، زنده باد آزادی»

فجایع سیل، آیینة تمام نمای رژیم

مهدی سامع

بارندگیهای شدید و به دنبال آن سیلابهای ویرانگر که از آستانه نوروز آغاز و هنوز ادامه دارد، عملکرد چپاولگرانه، مخرب و ضد مردمی حاکمیت را به شکل روشن در مقابل چشم همگان قرار داد. بر اساس آماري که کارگزاران حکومت ارایه می دهند؛ حدود ۱۰ میلیون تن تحت تأثیر مستقیم و غیرمستقیم سیلهای اخیر هستند. ۲۳۵ شهر و بیش از ۴۳۰۰ روستا در ۲۵ استان ایران تحت تأثیر خسارات سیل قرار گرفتند. ۴۰ هزار واحد مسکونی شهری و روستایی نیاز به بازسازی کامل دارند و ۴۱ هزار واحد مسکونی شهری و روستایی هم نیازمند تعمیر هستند.

گرچه سیل یک گنش طبیعی و بروز آن مستقل از اراده انسانهاست، اما راهکارهای علمی و تجربه شده برای مهار و کاهش زیانهای آن موجود است. انسانها در طول تاریخ برای مقابله با این گنش طبیعت به دستاوردهای با ارزشی دست یافته و امروزه حکومتهای مسئول و پاسخگو با توجه به داده های علمی و تجربیات بشری از شیوه ها و تکنیکهای مدرن برای مهار و کاهش خسارهای سیل استفاده می کنند. علاوه بر این حکومتهای مسئول پس از سیل، همه امکانات لازم برای دفاع از شهروندان و ترمیم ویرانیهای ناشی از سیل را در خدمت مردم و جامعه قرار می دهند. بررسی سیل اخیر که بیش از ۲۰ استان کشور را دربرگرفت نشان می دهد که حاکمیت مسئول بلارقیب ابعاد ویرانگر و خسارهای کلان انسانی- طبیعی ناشی از آن است. چرا؟

قبل از سیل

در دوران حیات ۴۰ ساله جمهوری اسلامی و به ویژه دوران ۳۰ ساله ولایت خامنه ای، طبیعت بی رحمانه و بی محابا قتل عام شده است. نیمی از جنگلهای ایران به دست کارگزاران رژیم و به خصوص سپاه منفور پاسداران نابود شده است. مدت کوتاهی پیش از شروع بارانهای سیل آسا، رئیس انجمن جنگلبانی در گفت و گو با خبرگزاری دانشگاه آزاد گفت: طبق آمار هر هکتار جنگل تا ۲ هزار مترمربع آب در خودش ذخیره می کند که از بین رفتن این پوششها می تواند وضعیت آب را از وضعیت فعلی هم بحرانی تر کند.... ویلاسازی و تخریب جنگل از عوامل تغییرات اقلیم به حساب می آیند. این شرایط سبب می شود به جای آن که باران طولانی با حجم کم داشته باشیم با بارانهای سیل آسا رو به رو شویم که این موضوع استانهای شمال کشور را تهدید می کند. ... جنگلهای شمال بیش از ۴۲ درصد تخریب داشته اند و با این شرایط باید گفت تمامی جنگلهای شمال از بین رفته و تا چند سال دیگر اثری از آن نخواهد بود.» (آنا، جمعه ۱۰ اسفند ۱۳۹۷)

همزمان با دست بردن در مسیل سیل و دست انداری به حریم رودخانه ها، گلوگاههای خطرناک و تنگی برای عبور آب در شرایط غیرمعتارف ایجاد کرده اند. یک نمونه از نتایج مخرب چنین اقدامهایی، وضعیتی است که در دروازه قران شیراز پیش آمد و دهها انسان قربانی شدند.

سد سازی بی رویه با بودجه های کلان که توسط شرکتهای وابسته به سپاه پاسداران ساخته شده، از دیگر اقدامات حکومت علیه منافع مردم و کشور است.

حکومت با خشک کردن «هُورها» و به ویژه «هورالعظیم» در مرز ایران و عراق اقدام به جنایت در مورد طبیعت و مردم کرده است. با خشک کردن «هُورها» که به منظور بهره برداری از ذخایر نفتی در آن و برخی از مسایل امنیتی برای رژیم، صورت گرفته و با ایجاد سیل بندهای متعدد در اطراف هورها، مسیر طبیعی آب را تغییر داده اند. نتیجه این عمل سودجویانه این می شود که در شرایط جاری شدن سیل، آب به جای مسیر طبیعی اش به سمت مناطق مسکونی و مزارع کشاورزان هدایت می شود. در سیل اخیر این عمل ضد مردمی کاملاً خود را نشان داد و البته با مقاومت دلیرانه مردم..... و افشاگریهای گسترده، بخشی از سیل بندهای اطراف هورالعظیم باز شد.

۱۱۵ استاد دانشگاه اهواز در نامه ای خطاب به روحانی بر لزوم آگیری تالاب هورالعظیم «در اسرع وقت» و «به صورت دائمی» جهت نجات شهرها و روستاهای خوزستان تاکید کردند. آنها در پایان نامه خود نوشته اند: «خواستاریم که در اسرع وقت، فرمان آگیری کل تالاب هورالعظیم به صورت دائمی داده شود تا از خطرات جانی و مالی و فلج شدن فعالیت

بسیاری از مردم، گروهها، نهادها و مؤسسات و خسارات جبران ناپذیر زیست محیطی به مردم خوزستان، پیشگیری گردد. هر گونه فعالیت اقتصادی در تالاب هورالعظیم از جمله در حوزه نفت، باید با حفظ محیط زیست تالاب باشد.» (ایلنا، شنبه ۲۴ فروردین ۱۳۹۸)

بدون هرگونه گرافه گویی می توان هزاران سند و مدرک پیرامون نقش مخرب حکومت به طور عام و سپاه پاسداران به طور خاص، که در رسانه های جمعی بازتاب داشته ارایه داد. در جریان سیل اخیر نیز به وفور در این مورد آگاهی رسانی صورت گرفته که هنوز هم ادامه دارد و بنابراین در مورد نقش بدون رقیب رژیم ولایت فقیه در قتل عام طبیعت که فجایع سیل اخیر یکی از نتایج آن است، این یادداشت را طولانی نمی کنم.

در جریان سیل

وقتی سیل جاری می شود، فقط یک نیروی متمرکز، سازمانیافته و با امکانات کلان می تواند شدت سیل را مهار کرده و به سیلزدگان به طور موثر کمک کند. در ایران چنین نیرویی ارتش و سپاه است که اختیار آن دست ولی فقیه است. انبوهی از پلهای متحرک و ماشینهای پر قدرت آبی خاکی، تعدادی زیادی قایقهایی که تا چند ده نفر ظرفیت دارد، انبوهی از دیوارهای بتونی متحرک (T Wall) و دیگر سیل بندهای متحرک و سَبک، دهها مرکز اسکان و تونلهای مجهز در استانهای کشور و به ویژه در استانهای غربی برای شرایط غیرمعارف، انبوهی از چادر مجهز و ضد آب و باد و تعداد زیادی از انواع هلیکوپتر، برای نمونه بیش از ۳۰۰ هلی کوپتر ترابری متوسط فقط در پایگاه چهارم پشتیبانی در اصفهان در هوانیروز رژیم است، صدها تن غذا و مایعات ذخیره شده در انبارها و ... بخشی از امکانات موجود سپاه پاسداران و ارتش است که در جریان سیل اخیر از آن به طور موثر استفاده نشد. به خصوص سرکردگان سپاه پاسداران بیشتر به نمایش امداد رسانی و گرفتن «سلفی» اقدام می کردند تا کمک جدی. هیچ لزومی وجود نداشت که سرکردگان سپاه در میان آب نمایش امداد رسانی اجرا کنند. اگر آنها به دردهای مردم فکر می کردند، حداقل نیمی از امکانات موجود خود را در اختیار مردم قرار می دادند که چنین نکردند.

بعد از فروکش کردن سیل

مثل معروف «سَر بزرگ اش زیر لحافه» شامل این مرحله از سیل می شود. پس از فروکش کردن طغیان آب، مشکلات عارضه سیل در مقابل مردمی که زندگی و هستی آنان را آب برده قرار می گیرد. بازسازی جاده ها، پلها، مراکز آموزشی، خانه های مردم و تامین وسایل اولیه زندگی مواردی است که باید بلافاصله در دستور کار حکومت قرار گیرد. زندگی در چادر و نبودن امکانات برای تغذیه، لباس، بهداشت، خواب و ... را می توان در مدتی کوتاه با امکانات حاکمیت به زندگی معمولی با حداقل امکانات ضروری تغییر داد. اما تجربه زلزله ها و سیلهای قبلی نشان می دهد که رژیم علیرغم امکانات وسیعی که در اختیار دارد برای آسایش مردم اقدام نمی کند و حتی با امنیتی کردن محیط در مقابل کمکهای مردمی مانع ایجاد می کند و با تبهکاری برخی از امدادگران مستقل و مردمی را بازداشت می کند. گویا ترین و دقیق ترین توصیف پیرامون شرایطی که سیل اخیر ایجاد کرده را یکی از هموطنان عرب در مقابل ابراهیم رئیسی جلاد بیان می کند.

روز پنجشنبه ۲۹ فروردین امسال کارگزاران حکومت برای ابراهیم رئیسی ترتیب یک جلسه برای اجرای نمایش امدادگری داده بودند. بنا بر ویدئوهای منتشر شده در شبکه های اجتماعی یک هموطن عرب در این جلسه که تعدادی از مردم عرب و غیر عرب ساکن در خوزستان حضور داشتند، خطاب به سر دژخیم ولایت گفت: «معضل خوزستان تراکم آب نیست، تراکم دروغها، تراکم خیانتها و تراکم تمامیت خواهیهایی بود که در اعتراض به آنها، عنوان بی تربیت و ضد انقلاب را می گرفتیم.»

دلواپسان تروریستی نامیدن سپاه پاسداران، اگر منافعی در بقای رژیم ندارند و اگر گوشه برای شنیدن و چشمی برای دیدن دارند، خوب است به حضور تبهکاران حشد الشعبی در خوزستان و سخنان این هموطن گوش کنند.

هیولا در تله

منصور امان

آقای ترامپ به وعده "فشار حداکثری" که به ج.ا داده بود عمل کرد و از هنگام کناره گرفتن از "برجام، سختگیری بر آنها را به طور منظم افزایش داد به گونه ای که اکنون درجه تنظیم فشار به بازوی نظامی حاکمیت، سپاه پاسداران، رسیده است. دولت ایالات متحده به طور رسمی این نیروی نظامی و امنیتی را ردیف یک جریان "تروریستی" طبقه بندی کرده است. این یک ضربه جدی نه فقط به ارگان سپاه پاسداران و حوزه عمل آن به حساب می آید، بلکه بسا بیشتر از آن، پیکره رژیم ولایت فقیه به تمامی را به لرزه در می آورد.

ستون فقرات "نظام"

رژیم ج.ا اگر تنها بر یک ستون استوار شده باشد، آن سپاه پاسداران است؛ سازمانی موازی در کنار ارتش رسمی که وظیفه ای جز حراست از قدرت، تضمین بقای آن و تامین اقتدارش بر منابع قدرت و ثروت ندارد. رشد این ارگان از یک مجموعه بدوی نظامی به عنکبوتی نظامی و امنیتی که تارهای خود را بر بخش بزرگی از اقتصاد کشور نیز تنیده است، در تناسب مستقیم با نیازهای امنیتی روزافزون قدرت سیاسی قرار دارد. حاکمیت از آنجا که مبنای مشروعیت خود را اسلام سیاسی قرار داده که ساختار و مناسبات عقب مانده آن در تضاد و کشاکش دایمی با جامعه در داخل و نظم جهانی سرمایه داری در خارج بسر می برد، بنابراین به گونه فزاینده به ابزارهای لازم برای پیشبرد و اداره این تضادها نیازمند و با همین نوسان وابستگی اش به آن بیشتر می شود.

براین اساس به هیچ رو تصادفی نبود که حاکمیت پس از تن دادن اجباری به پایان "نعمت" جنگ با عراق و (به بیان آقای خمینی) "سر کشیدن جام زهر"، به تحکیم جایگاه سپاه پاسداران در ساختار "نظام" پرداخت و در این راه از دادن مشوقهای اقتصادی به آن نیز دریغ نورزید. در این میان این نیروی نظامی و امنیتی یک سوم اقتصاد کشور را در چنگ خود گرفته و بر سر بیشتر گلوگاههای پُر سود بازرگانی و تجاری با ایجاد پُستهای تلکه گیری و باج خواهی مُستقر شده است.

آقای اکبر رفسنجانی، مُبتکر اصلی ادغام اقتصادی سپاه پاسداران در سیستم، بعدها پس از حذف توسط باند حاکم شکوه کرد: "سپاه پاسداران] نبض اقتصاد، سیاست خارجی و داخلی را در دست گرفته و به کمتر از کل کشور راضی نیست." فرد "زیرک" رژیم ولایت فقیه به گونه بلاهت آمیزی پنداشته بود که پرور اقتصاد سگ پاسبان "نظام" بدون پیامد سیاسی هم برای باندهای قدرت و هم برای سپاه پاسداران باقی خواهد ماند. در عمل اما شراکت در ثروت، این نیرو را به گونه درونمایه ای از ابزار نظامی و امنیتی سلطه طبقه حاکم به شریک تُفنگدار در قدرت سیاسی بدل ساخت که به موازات بوروکراسی دولت، ساختارهای سیاسی، اقتصادی، تبلیغاتی و اطلاعاتی خویش را ایجاد کرد و نهادهای حکومتی همچون قوه قضاییه، شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت را یا به کنترل خود درآورد یا به نفوذ بی پیشینه ای در آنها دست یافت.

نقش محوری سپاه پاسداران در کارکرد رژیم ج.ا را به ویژه در سرپرستی و اجرای پروژه های استراتژیکی که حاکمیت آنها را ضامن بقا و ثبات خود می پندارد، می توان مشاهده کرد. ماجراجویی بُمب هسته ای که امکانات و منابع کشور دستکم برای یک دهه در خدمت آن قرار گرفت، از سوی سپاه پاسداران مدیریت و هدایت می شود. به همین صورت این نیرو نقش غالبی در سیاستگذاری و سرکردگی جنگ تجاوزکارانه در سوریه، جنگ نیابتی در یمن و مداخله گری در عراق و لبنان بازی می کند

ضربات

بنابراین تشدید فشار بر سپاه پاسداران که اینک با اقدام آمریکا ابعاد گسترده تری یافته، با هر درجه ای که دایره عمل آن را به گونه واقعی تنگ تر کند، امکان پیشبرد سیاستها و راهکارهای ثبات زای "نظام" را محدودتر کرده و تعادل آن را بیشتر برهم خواهد زد.

فشار آمریکا در دو پهنه می تواند آثار خود را بر جا بگذارد:

- ۱- بخشهای مالی و اقتصادی سپاه پاسداران، چارچوبهای فعالیتش و مناسبات با نیروهای اقتصادی بیرون از آن که در مجموع آثار داخلی تصمیم آمریکا به طبقه بندی سپاه پاسداران به مثابه یک جریان تروریستی را تشکیل می دهد.
- ۲- آثار خارجی اقدام آمریکا در کانونهای تنش منطقه خاورمیانه پدیدار می شود؛ نقاطی که صحنه حضور نظامی سپاه پاسداران و مزدوران خارجی آن است و گرد آن بحرانهای جنگ، مداخله گری، بی ثباتی، افراطی گری، فرقه گرایی و از هم گسیختن شیرازه های زندگی مدنی شکل گرفته است.

۱- آثار داخلی

با تروریستی شمرده شدن سپاه پاسداران، محیط طبیعی آن در تمامی پهنه های فعالیت مالی، اقتصادی و نفتی به محیطی - در محتاطانه ترین شکل - غیردوستانه تبدیل می شود و قانونمندیهای جدیدی مناسبات آن با طرفهای معامله اش را شکل می دهد که به شدت از تصمیم آمریکا و مکانیزمهایش برای به گرسی نشانیدن آن تاثیر می پذیرد. شرایط جدید ابتدا شرکای داخلی سپاه پاسداران را از بیم مجازاتهای آمریکا ناچار به فاصله گرفتن از آن می کند. بانکها، شرکتها و موسسات خصوصی و پیشاپیش آنها دولت و زیرمجموعه های اقتصادی آن گروه مهاجر داخلی را تشکیل می دهند. "خود تحریمی" اصطلاحی است که از این پس در نزاع باندهای حکومتی بیشتر شنیده خواهد شد. در این راستا نمایش وحدتی که زیر "خیمه نظام" پس از اعلام تصمیم آمریکا بازی می شود، فقط یک ژست با تاریخ مصرف محدود است. چرا که از یکطرف سیستم بانکی، بخش بازرگانی دولتی و به ویژه بخش نفت، گاز و پتروشیمی برای حفظ ارتباط خود با طرفهای معامله خارجی، چاره ای جز فاصله گیری از بخش تروریستی اقتصاد و قطع رابطه با آن ندارند. باز ماندن کانالهای مالی بازرگانی خارجی به ویژه در شرایط تحریمهای گسترده آمریکا، برای حاکمیت امری حیاتی به حساب می آید. این فرصتی است که جناح میانه حاکمیت از بهره گیری از آن برای کاستن سهم باند حاکم در قدرت و ثروت و تقویت خود چشم پوشی نخواهد کرد.

از سوی دیگر، پاره قدرتمند دیگری از اقتصاد ج.ا که از همه باندها و دسته بندیهای حکومتی تشکیل شده و شامل بخش شبه دولتی، بوروکراتهای رانت خوار و نوکیسه های "خودی" می شود، دلیل نقدی برای مرکزکشی با برادران تروریست خود دارد. اینان ثروتی که به غارت برده اند را به طور عمده به خارج از کشور منتقل کرده اند. به اعتراف منابع حکومتی، در نخستین موج پس از کناره گیری آمریکا از "برجام" و برقراری دوباره تحریمها و در طول ماههای پایانی سال ۹۶ بیش از ۳۰ میلیارد دلار از کشور خارج شده است. گذشته از مبالغی که چپاولگران حکومتی در بهشتهای مالیاتی، بانکهای مورد اعتماد اروپایی و صندوقهای سرمایه گذاری خارجی ذخیره می کنند، بخش دیگری از این مبلغ هنگفت در مستغلات و املاک در شهرهای گران غربی، شیخ نشینهای خلیج فارس و ترکیه سرمایه گذاری شده و قسمت نه چندان اندکی نیز هزینه زندگی پُر خرج خود و بریز و بپاش آقازاده های مُقیم آمریکا، انگلیس، کانادا و جز آن می گردد.

یک شرکت املاک بزرگ انگلیسی (راکستون) شادمانه از وجود هزار تا هزار و پانصد فرد یا خانواده ایرانی مشتاق به خرید املاک در لندن خبر داده که میزان ثروت هریک از آنها را بیش از دو میلیون پوند تخمین می زند که در میان آنها ثروت ۶۵ فرد یا خانواده بیش از ۸۰ میلیون پوند و چهار نفر نیز میلیاردر هستند. موسسه آمار ترکیه نیز به همین صورت رشد ۱۹ درصدی خرید مسکن توسط ایرانیان در سال ۲۰۱۷ را ثبت کرده است. همین مرکز میزان سرمایه وارد شده از ایران برای خرید مسکن در ترکیه در سال ۲۰۱۸ را نیم میلیارد دلار برآورد کرده است.

تحت شرایط جدید شبه دولتیها و در کنار آن بخش دولتی اقتصاد و مدیران آن که "حقوقهای نجومی" و لفت و لیسهای کهکشانی شان را در فرنگ صرف می کنند، در صورت ادامه یا برقراری مناسبات با سپاه پاسداران با تهدید از دست دادن منافع کلان اقتصادی و سیاسی و پنبه شدن رشته هایی که بافته اند روبرو هستند. بدین سبب روند فاصله گیری از اقتصاد موازی برای هر دو دسته یک جبر اقتصادی و پرسشی است که منافع طبقاتی بدان پاسخ می دهد.

۲- آثار خارجی

به گنج رانده شدن سپاه پاسداران با داغ تروریستی، در پهنه خارجی نیز دارای پیامدهای مهمی است که رژیم ج.ا.توانایی مدیریت و غلبه بر آنها را ندارد. نخستین تاثیر، در مناسبات اتحادیه اروپا با حاکمان ایران نمایان خواهد شد. پس از تحریمهای آمریکا، مناسبات اقتصادی با اروپا برای حاکمیت نقشی کلیدی را در تدبیرهای آن برای "دور زدن" تحریمها ایفا می کند. با این حال رژیم ولایت فقیه به سختی می تواند شرطهای شرکای اروپایی برای مشارکت در این بازی را هضم کند که جلوگیری از تامین مالی تروریسم، مبارزه با پولشویی و شفافیت بانکی (دسترسی به اطلاعات مالی، گردشهای پولی و بانکی دستگاه های دولتی، شبه دولتی و خصوصی) را در بر می گیرد.

تا پیش از این، بیشترین نگرانی حاکمیت از پذیرش گنوانسیون پالمو (مبارزه با جرایم سازمان یافته فراملی) و رفتن زیر چتر مقررات "گروه ویژه اقدام مالی" (FATF)، دشوار گردیدن ادامه تامین جنگها و درگیریهای فرقه ای و نیابتی و تابیدن نور به پستوهای "فساد سیستمی" بود. اینک اما بخش بزرگی از اقتصاد نیز مشمول همان محدودیتها و مقررات بازدارنده و نهی کننده ای شده است که صف مبادلات رسمی و قانونی را از دادوستدهای مشکوک و نامشروع جدا می کند. این در عمل به معنای سخت تر شدن رویکردها به پالمو و FATF در هر دو طرف است؛ اروپا مشروط بودن مناسبات اقتصادی و بازرگانی با ج.ا. را به گونه پُر رنگ تری در برابر طرفهای خود می گذارد و حاکمیت در گریز از آن، به طور عمیق تری به بُن بست مخالفت رانده می شود.

صحنه دیگری که اقدام آمریکا بر آن تاثیر می گذارد، میدان مداخلات خارجی رژیم ولایت فقیه است. آنچه که هم اکنون در سوریه و لبنان با محدود شدن دسترسی "نظام" به منابع نفتی و گازی و ضربات آمریکا به شبکه های انتقال پول و نفت ج.ا. پدیدار شده، با طبقه بندی تروریستی ماشین اجرایی "نظام" برای صدور بنیادگرایی شیعی، شکل وخیم تری می یابد. مزدوران لبنانی، عراقی، فلسطینی و یمنی رژیم ولایت فقیه ناچار به کشیدن گرسنگی مالی و تجهیزاتی هستند و این به مفهوم کاهش نفوذ کارفرما بر پیمانکار و مُستخدم است. از سوی دیگر، دولتهایی مانند ترکیه و عراق که برای ج.ا. به منظور دور زدن تحریمها کانال سازی می کنند، در تیررس و زیر فشار قرار می گیرند. و خدماتی که می توانند ارائه کنند، به گونه دردناکی محدود خواهد شد.

برآمد

با اقدام مُستقیم آمریکا علیه ارگان بقای "نظام"، نوسان رژیم ولایت فقیه در پی فشار خارجی و خیزش داخلی شدت گرفته و تعادل برهم زده شده آن به تلوتلو خوردن فراز می یابد. هیچ هنگامی بهتر از حالا برای زمین زدن رژیم ج.ا. و هیچ نیرویی آماده تر و موثرتر از جنبش مردم برای این کار وجود ندارد.

کانال تلگرام نبرد خلق

@nabard_khalgh

https://telegram.me/nabard_khalgh

یک سال پُر خروش با جنبش تهیدستان برای نان، کار و آزادی

زینت میرهاشمی

دبیرخانه «سچفخا» ترازنامه حرکت‌های اعتراضی در سال ۹۷ را منتشر کرده است. بر اساس این ترازنامه در سال گذشته ۹۴۷۳ حرکت اعتراضی از جانب کارگران، کشاورزان، معلمان، بازنشستگان، کامیونداران، پرستاران طرفداران حفاظت از محیط زیست و بازاریان صورت گرفته که بیش از نیمی از آن به جنبش سازمانیافته کامیونداران مربوط است.

شرایط بحرانی اقتصادی زندگی اکثریت شهروندان ایران زمین را به نیستی و تباهی کشانده است. در سال گذشته تعرض به سطح زندگی و معیشت کارگران و مزدبگیران ابعاد جدیدی پیدا کرد. زندگی اشرافی صاحبان قدرت و ثروت، سیاهچاله ای از فقر، گرسنگی و بی خانمانی ایجاد کرده که روزانه قربانی می گیرد.

به فلاکت کشاندن زندگی مزدبگیران با تعیین حداقل حقوق دستکم یک سوم خط فقر ابعاد جدیدی پیدا کرده است. علاوه

بر مساله حداقل دستمزد، مواردی چون حقوقهای معوقه، عدم پرداخت حق بیمه از طرف کارفرما، خصوصی سازیها (خودمونی سازی یا خصوصی کردن)، چپاول شرکت‌های پیمانی، افزایش قاچاق، بیکاری، بحران بی آبی و تخریب طبیعت و محیط زیست، صعود نرخ تورم و تشدید شکاف طبقاتی همراه با فساد، چپاول و رانت زندگی توده های تهیدست را روز به روز فاجعه بار کرده است.

در این شرایط بحرانی نیروهای کار در مقابل



خود راهی جز مبارزه نمی بینند و در این مبارزه برای زندگی انسانی، زنان نقش برجسته ای به عهده گرفته اند.

تجمع و اعتصاب روزمره کارورزان، اعتصاب و تظاهرات شکوهمند کارگران نیشکر هفت تپه و کارگران گروه ملی فولاد اهواز، اعتصاب سراسری در شبکه راه آهن، اعتراض گسترده کشاورزان اصفهان، اعتصاب و تحصن گسترده معلمان، تجمعهای مداوم بازنشستگان، حرکت‌های اعتراضی دانشجویان و پرستاران، حرکت‌های پُرشمار سپرده گذاران غارت شده، اعتراضهای مداوم کارورزان شهرداریها علیه شرکت‌های پیمانی، خیزشهای شهری همچون قیام مردم عرب خوزستان (قیام کرامت)، قیام مردم کازرون و اعتصاب گسترده در شهرهای تهران، اصفهان، کردستان، مشهد و... نمونه هایی از حرکت‌های اعتراضی در سال گذشته است.

فاجعه بحران آب سبب به فلاکت کشاندن شدن ملیونها ایرانی شده است. یک مجلس نشین از اصفهان گفت؛ بحران آب در اصفهان بسیار وخیم است و برخی کشاورزان بر اثر بی آبی به نان شب محتاج شدند. او اضافه کرد؛ در چند ماه آینده پنج میلیون نفر آب آشامیدنی نخواهند داشت.

در اولین ماه سال گذشته شاهد جنبش کشاورزان شرق و غرب اصفهان برای حقایقه بودیم. جنبشی که با شعارهای پیشرو در طول سال به تناوب ادامه داشت.

روز یکشنبه ۱۹ فروردین، یک مجلس نشین از شاهین شهر گفت: «پنج میلیون نفر از مرداد ماه [۱۳۹۶] آب خوردن در اصفهان ندارند، ۴۲۰ میلیون آب شرب نیاز است اما در حال حاضر تنها ۱۰۰ میلیون آب پشت سدها موجود است.» (انتخاب)

در جریان اعتراضهای چند روزه برنج کاران استان خوزستان معلوم شد که این استان دارای ۷۰ هزار هکتار زمین زیر کشت برنج است که از هر هکتار حدود چهار تن شلتوک برداشت می شود. هر هکتار زمین زیر کشت برنج برای پنج نفر اشتغال ایجاد کرده از این رو ممنوعیت کشت باعث بیکاری ۳۵۰ هزار نفر خواهد شد.

طبق آمار رسمی استان خوزستان از لحاظ کشت و تولید برنج بعد از استانهای گیلان و مازندران، رتبه سوم کشور را به خود اختصاص داده است و شوش، شوشتر، اهواز، ایذه، باغملک و دشت آزادگان از عمده شهرستان های برنج خیز استان هستند.

در سال گذشته کامیونداران و رانندگان خودروهای سنگین با فراخوان قبلی و با شعار «حق دادنی نیست، بلکه گرفتنی است» طی ۵ دوره دست به اعتصاب زدند. خودروهای سنگین مخصوص حمل و نقل کالا نقش مهمی در حیات اقتصادی ایران دارند. بیش از ۹۰ درصد حمل و نقل کالاهای کشور از طریق حمل و نقل جاده ای جا به جا می شود.

بحران اقتصادی موجود زندگی کامیونداران و رانندگان ماشینهای سنگین را در وضعیت بحرانی قرار داده است. دستمزد پایین، افزایش بی سابقه هزینه های تعمیر و نگهداری کامیونها، عدم پرداخت حق بیمه سهم دولت، عوارض باربری و جاده ای، افزایش قیمت لاستیک و قطعات یدکی و درصد بالای حق کمیسیون شرکتهای باربری، زندگی رانندگان زحمتکش کامیون که روز و شب را در جاده ها و به دور از خانواده می گذارند به تباهی کشانده است. اعتصاب قدرتمند رانندگان کامیون و ماشینهای سنگین، کارگزاران حکومت را به شدت هراسان کرد. رانندگان کامیون در ماههای خرداد، مرداد، شهریور، آبان

خیزشهای توده ای در مرداد ماه همراه با حرکتهای اعتراضی نیروهای کار، جلوه ای با شکوه از جنبش رنگین کمان مردم ایران را در مقابل چشم همگان قرار داد. رژیم ولایت فقیه برای مهار جنبش کارگری به حربه همیشگی تهدید، زندان، شکنجه و صدور احکام ظالمانه متوسل شد. دستگیری فعالان کارگری، معلمان، دانشجویان، جوانان معترض و ... راهکار حکومت برای مهار جنبشهای اعتراضی بوده و خواهد بود. برای نمونه سه شنبه ۲۵ اردیبهشت، نیروهای انتظامی به معترضان فعالیت معدن سنگ در روستای ازگیل از توابع شهرستان ایذه یورش برده و موجب کشته و زخمی شدن سه نفر شدند. به گزارش فارس، ماموران نیروی انتظامی که به منظور بازداشت چند نفر از اهالی به محل رفته بودند، با واکنش اهالی منطقه مواجه شدند و در پی آن زد و خورد صورت گرفت که دو نفر مجروح و یک زن ۳۸ ساله نیز جان خود را از دست داد. جهت گیری حرکتهای اعتراضی، علیرغم تفاوت خواستگاه اجتماعی نیروهای شرکت کننده در این حرکتها، علیه حاکمیت در کلیت آن بود.

شعارهای معترضان نشان داد که نیروهای کار و تهیدستان شهر و روستا با رژیم حاکم مقابله می کنند. شعارهایی چون «نان، کار، آزادی؛ حق مسلم ماست/ دستمزد عادلانه حق مسلم ماست/ دولت خیانت می کند مجلس حمایت می کند/ تورم گرانی، پاسخ بده روحانی/ ای رهبر آزاده، دزدی مگر آزاده؟/ کارگر زندانی آزاد باید گردد/ معلم زندانی آزاد باید گردد/ دانشجوی زندانی آزاد باید گردد/ رو به میهن، پشت به دشمن/ سوریه را رها کن، فکری به حال ما کن/ دشمن ما همین جاست، دروغ میگن آمریکاست» که بارها توسط گروههای گوناگون اجتماعی در حرکتهای اعتراضی فریاد زده شد، همین حقیقت را برجسته می کند.

به خاطر همین واقعیت آشکار بود که خامنه ای در روز دوشنبه ۲۲ مرداد با فرار به جلو و برای بی اهمیت جلوه دادن جنبش رنگین کمان بیشماران، وقیحانه این جنبش عظیم را به حرکت مگس روی شیرینی تشبیه کرد و گفت: «برخی مقامات امریکا گفتند ۶ ماه دیگر خبرهایی از ایران خواهید شنید، منظور آنها همین حوادث مرداد بود که با وجود هزینه های فراوان مالی و سیاسی دشمنان، اینگونه محدود از آب درآمد.»

خامنه ای می داند که توده های مردم با آگاهی از عملکرد رژیم، از وی به شدت تنفر دارند. او می بیند که هرگاه مردم تهدیدست و جوانان آزادیخواه ایران زمین فرصت پیدا کنند، فریاد مرگ بر دیکتاتور سر می دهند. او می داند که دشمن اصلی او و نظام حاکم مردم ایران هستند و برای پنهان کردن همین واقعیت، نیروی خارجی را برجسته می کند. جنبشهای توفنده سال ۱۳۹۷ نشان داد که مردم حيله خامنه ای را بی اعتبار کرده اند.

امنیت کشور یا کشور امنیتی

جمهوری اسلامی با توجه به دشمن سازی تعریف شده در ساختار ایدئولوژیک خود هرگونه اعتراض به تضييع طبيعى ترين حقوق اوليه انسانها را توطئه اى از جانب دشمن براى سرنگونى خود مى داند. از اين رو رژيم کنونى ايران را مى توان جز مستبدترين حاکمان تاريخ سياسى کشور ناميد.

نگاهى به جنبشهاى کارگرى سالهاى اخير نيز به خوبى بيانگر اين نکته است که مطالبات اين طبقه به شکلى بسيار عريان ناکارآمدى سيستم مديرى و حقوق و دستمزد ساختار حاکم را آشکار مى کند. توزيع ناعادلانه ثروت مهمترين ابزار هيأت حاکمه براى ايجاد شکاف طبقاتى به منظور کنترل طبقات محروم توسط گروه مسلط اقتصادى است. طبقه مسلط با پشتوانه مالى و برخوردارى از آمرىت و بعضاً عامليت در سرکوب آنچنان در تار و پود معيشت مردم تنيده شده است که هرگونه اعتراضى به اين بي عدالتيها، معترضان را حداکثر با يك يا دو واسطه در برابر هيأت حاکمه قرار مى دهد. نمونه عينى آن، جنبش کارگرى ماههاى گذشته در جنوب کشور است، آنجا که



کارگران ناراضى و گرسنه به موضوع اختلاسها در شعارهاى شان اشاره کردند و در پى آن افکار عمومى در فضاى مجازى به اين دزدىها پرداخت. همين اشاره کافى بود تا جنبش نان توسط رژيم جنبشى برپايه ارتباط با دشمن جهت براندازى تعريف شود. سناريوها هم که به سرعت در اتاقهاى فکر شکل مى گيرد و توسط پروپاگانداى رژيم به خورد جامعه داده مى شود.

نمونه ديگرى که مى توان به آن اشاره کرد دستگيرى تعدادى از فعالان اجتماعى در جريان کمک به زلزله زدگان ورزقان است. فعالان اجتماعى در سالهاى اخير همواره با اين اتهام مواجه بودند که از طريق فعاليتهاى خود عليه رژيم فعاليت تبليغى مى کنند. چرا که نماياندن ضعفهاى مديرى و زير بنايى به معنای ريختن آب به آسياب دشمن است. حال آنکه اين روشنگريها باعث آگاهى جامعه و ريزش نيروهاى دورتر از هسته قدرت خواهد شد. در تازه ترين مثال از اين دست مى توان به صحبتهاى محمد جعفر منتظرى اشاره کرد. دادستان کل کشور در جمع علمای شيعه و سنى استان گلستان گفت که با عاملان انتشار اخبار دروغ درباره سيل اخير برخورد جدى خواهد شد چرا که اين دست اخبار باعث ايجاد ناامنى در کشور خواهد شد و امر کمک رسانى را مختل خواهد کرد.

رژيم در اين چهل سال همواره به اين شعار پايبنده بوده که فضاى کشور را امنيت مى کنيم تا به امنيت کشور خدشه اى وارد نشود. پر واضح است که در اينجا منظور از کشور جايگاه هيأت حاکمه است

برای اشتراك نسخه چاپى نبرد خلق با آدرس زير تماس بگيريد

nabard@iran-nabard.com

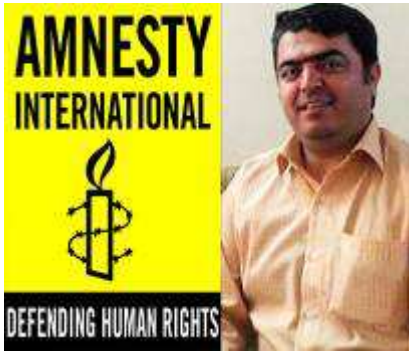
به راديو پيشگام در آدرس زير گوش كنيد

www.radiopishgam.com

چاشمهاى معلمان (فروردين ۹۸)

عفو بین الملل بار دیگر خواهان آزادی اسماعیل عبدی شد

عفو بین الملل با انتشار بیانیه ای پیرامون زندانی بودن اسماعیل عبدی و مجازاتهای پی در پی نماینده کانون صنفی معلمان ایران، خواهان آزادی وی شد. این نهاد حقوق بشری پتیشنی را نیز جهت امضا و همراهی در سایت خود قرار داد.



تحصن معلمان حق التدریسی در اولین روز کاری سال نو

روز شنبه ۱۷ فروردین در اولین روز کاری سال نو معلمان حق التدریسی در مدرسه آزادگان منطقه یک تهران، همچنین معلمان حق التدریسی مدرسه کار و دانش ابوریحان شهرستان اسلامشهر دست به تحصن زدند. معلمان حق التدریسی این دو مدرسه از رفتن به سر کلاس خودداری کردند. تحصن معلمان حق التدریسی در اعتراض به پرداخت نشدن حقوق شان بود.

فرهنگیان برای کمک به سیل زدگان ستاد همیاری تشکیل دادند

فعالان صنفی معلمان برای یاری رسانی به سیل زدگان نقاط مختلف ایران، ستاد همیاری تشکیل دادند.

در بیانیه شماره یک این ستاد ضمن تسلیت به خانواده جانباختگان سیل اخیر، اعلام شده فرهنگیان قصد دارند با جمع آوری کالاهای ضروری و حمایت از گروههای محلی، به سیل زدگان امداد رسانی کنند.

فرهنگیان در این بیانیه تاکید کرده اند که رویکرد آنها در کمک رسانی، عدم ورود غیر ضروری به مناطق بحرانی و حمایت از گروههای محلی است. آنها همچنین نوشته اند که معتقد به این اصل هستند که "هر نوع مداخله در شرایط بحران بدون در نظر گرفتن نظر و خواست افراد بومی، پیامدهای منفی در پی خواهد داشت".

فعالان صنفی معلمان مراکزی را در تهران، اسلام شهر، هشتگرد، کرج، خمینی شهر و مریوان مشخص و از داوطلبان خواسته اند اقلام مورد نیاز

شامل پتو، آب معدنی، تن ماهی، کنسرو، خرما، هیتر برقی، مایع دستشویی، مایع ظرفشویی، پوشک بچه و نوار بهداشتی را به این مراکز تحویل دهند.

در این بیانیه همچنین از داوطلبان در مناطق آسیب دیده نیز خواسته شده گروههای همیاری تشکیل دهند.

اعتصاب جمعی از معلمان قزوین

جمعی از معلمان در قزوین روز شنبه ۱۷ فروردین همزمان با بازگشایی مدارس پس از تعطیلات نوروزی، از حضور در کلاسهای درس خودداری کردند.

به گزارش کانون صنفی معلمان استان قزوین، این اقدام در اعتراض به پرداخت نشدن حقوق معلمان حق التدریس صورت گرفت. این تشکل صنفی اعلام کرد که حق تدریس معلمان از مهر امسال تا به حال پرداخت نشده است. معلمان علاوه بر این، سه ماه نیز بابت حق تدریس در سال تحصیلی گذشته (۱۳۹۷-۱۳۹۶) طلب دارند.

الهیاری ترکمن، معاون پشتیبانی وزارت آموزش و پرورش، پیش از این گفته بود که اعتبار مورد نیاز برای پرداخت حق الزحمه معلمان حق تدریسی تامین شده و تا ۵ فروردین امسال به حساب بانکی آنها واریز می شود.

با وجود این وعده، با گذشت ۱۸ روز از آغاز سال جدید معلمان هنوز حق تدریس سال گذشته خود را دریافت نکرده اند.

زوج معلم اهل شازند به حبس و جزای نقدی محکوم شدند



فاطمه بهمنی و محمد کرد، زوج معلم اهل شهرستان شازند، به اتهام شرکت در تحصن سراسری معلمان در آبان ماه سال گذشته و انتشار اخبار آن به حبس و پرداخت جزای نقدی محکوم شدند. بر اساس احکام صادره از دو دادگاه، این دو معلم در مجموع به دو سال حبس تعلیقی به مدت سه سال و پرداخت ۸ میلیون تومان جزای نقدی محکوم شدند.

فاطمه بهمنی و محمد کرد در آبان ماه سال گذشته در جریان تحصن سراسری معلمان

توسط نیروهای امنیتی در اراک بازداشت و پس از یک هفته با تودیع قرار تا پایان مراحل دادرسی آزاد شده بودند. دادگاه انقلاب شهرستان شازند، خانم بهمنی و آقای کرد را به اتهام "فعالیت تبلیغی علیه نظام در فضای مجازی" به پرداخت دو میلیون تومان جزای نقدی بدل از ۶ ماه حبس تعزیری محکوم کرد. همچنین در حکمی دیگر که توسط شعبه اول دادگاه عمومی بخش زالیان صادر شد، این دو فعال صنفی معلمان به اتهام "نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی از طریق درج مطالب خلاف واقع در فضای مجازی"، هر کدام به یکسال حبس تعلیقی به مدت سه سال و پرداخت جزای نقدی به مبلغ دو میلیون تومان محکوم شدند.

یک منبع مطلع در مورد احکام صادره به گزارشگر "هرانا" گفت: "هر دوی این احکام در تاریخ ۲۹ بهمن ماه سال گذشته تحت فشار نهادهای امنیتی و مشخصا حفاظت اطلاعات سپاه پاسداران و اداره اطلاعات شهرستان شازند صادر شده است." گفتنی است که این زوج معلم ۳ فرزند دارند که در زمان بازداشت پدر و مادر توسط اقوام آنها نگهداری می شدند.

گزارش کانون صنفی فرهنگیان خمینی شهر از مناطق سیل زده لرستان

کانون صنفی فرهنگیان خمینی شهر که پس از جمع آوری کمکهای فرهنگیان و مردم آنها را به هم میهنان سیل زده در لرستان رسانده بود، گزارش عملکرد خود را منتشر ساخت.

در این گزارش گفته شده: "همکاران در خمینی شهر همت کردند و بانی جمع آوری کمکهای نقدی و غیر نقدی برای هموطنان عزیز سیل زده در لرستان شدند. این کمکها به خاطر سنگینی بار و شرایط نامساعد راه پس ۱۳ ساعت طی مسیر به سلامت به مقصد رسید."

این کانون که عضو ستاد همیاری فرهنگیان است ادامه داده: "همراه با سایر هموطنان نوع دوست، فرهنگیان عزیز نیز بخش کوچکی از امداد رسانی به هموطنان عزیز سیل زده را به عهده گرفته بودند. در این مدت محموله های کمکهای مردمی از شهرهای تهران، اسلامشهر، کرج، سقز، مریوان، الیگودرز، خمینی شهر، شیراز و ... به ستاد همیاری مستقر در پلدختر و معمולان و نورآباد رسید و پس از بسته بندی در اختیار مردم عزیز قرار گرفت."

فعال صنفی معلمان به دادستانی فیروزآباد احضار شد

اصغر امیرزادگانی، معلم و فعال صنفی معلمان، روز دوشنبه ۲۶ فروردین با ابلاغیه ای کتبی به شعبه دادستانی دادسرای عمومی و انقلاب شهر فیروزآباد احضار شد. بر اساس این ابلاغیه وی باید در تاریخ ۳۱ فروردین در محل این دادسرا حضور یابد.



روز یکشنبه از سوی اطلاعات نیروی انتظامی با آقای امیرزادگان تماس گرفته شد و به او اطلاع دادند که برای دریافت ابلاغیه احضارش به آنجا مراجعه کند. ابلاغیه مزبور بر اساس شکایت دادستانی از این معلم به اتهام "تبلیغ علیه نظام" و "نشر اکاذیب با مصداق حمایت از معلمان بازداشت شده در فضای مجازی" صادر شده است.

آقای امیرزادگانی باید در تاریخ ۳۱ فروردین در شعبه دادستانی داسرای عمومی و انقلاب فیروزآباد حضور یابد. در ابلاغیه همچنین ذکر شده است که نتیجه عدم حضور، جلب است.

این فعال صنفی پیشتر در تاریخ ۲۴ مهرماه سال گذشته با شائبه ارسال عکس و ویدیو به رسانه های خارج از کشور به مدت دو روز بازداشت شده بود. وی با رد این اتهامات و با تودیع قرار کفالت به مبلغ ۳۰ میلیون تومان به صورت موقت آزاد شد و سپس قرار منع تعقیب وی از سوی داسرای عمومی و انقلاب فیروزآباد صادر شده بود. اما با شکایت دادستانی این پرونده دوباره به جریان افتاده است.

تحصن دهها تن از معلمان دیشموک مقابل آموزش و پرورش

بیش از ۴۸ تن از معلمان غیربومی بخش دیشموک شهرستان کهگیلویه روز دوشنبه ۲۶ فروردین در دومین روز پیاپی



مقابل آموزش و پرورش دیشموک تحصن کردند و در کلاس درس حاضر نشدند.

این معلمان در نامه ای به مدیر آموزش و پرورش دیشموک اعلام کرده اند تا برطرف نشدن مطالبات خود از حاضر شدن در کلاسهای درس خودداری می کنند.

معلمان غیربومی منطقه دیشموک که فارغ التحصیل

دانشگاه فرهنگیان هستند، از سال ۹۵ در این بخش مشغول به کار شده اند. آنها می گویند اداره کل آموزش و پرورش کهگیلویه و بویراحمد در این سالها برای جابه جایی و انتقال نیروهای بومی با آنها همکاری نکرده و به جای حمایت و چاره اندیشی، با برخوردهای قانونی و توجیه غیرمنطقی مواجه شده اند.

بیشتر این نیروها بیش از ۱۰ سال سابقه کار دارند و خواستار همکاری اداره کل آموزش و پرورش استان برای انتقال به مناطق موردنظر خود هستند.

این معلمان تاکید می کنند بر اساس قانون "کار در خدمت زندگی است"، ولی در بخش دیشموک با توجه به محرومیت منطقه، زندگی معلمان غیربومی مختل و تحت الشعاع کار قرار گرفته است.

بخش دیشموک با ۲۳ هزار نفر جمعیت و ۸۵ روستا در ۹۰ کیلومتری دهدشت مرکز شهرستان کهگیلویه قرار دارد.

اعتراض معلمان و کارکنان آموزش و پرورش کهگیلویه و بویراحمد به تعویق مطالبات مزدی

معلمان و کارکنان آموزش و پرورش کهگیلویه و بویراحمد به ماه‌ها تعویق مطالبات خود معترضند. آنها می‌گویند شش ماه حق التدریس و حق اضافه کاری، حق الزحمه امتحانات معلمان و سایر مطالبات معوقه از سال ۹۶، پرداخت نشده است. آنها همچنین سه سال است که حق ماموریتی دریافت نکرده‌اند. به گفته یکی از معلمان این استان، تعداد زیادی از همکارانش در شرف رها کردن شغل خود هستند و تاکید می‌کند: "اگر روزی به این مساله معترض شویم، هزار وصله به ما می‌چسبانند."

اعتراض کانون صنفی معلمان تهران به دستمزد پایین "معلمان آزاد"

کانون صنفی معلمان ایران (تهران) در بیانیه‌ای که روز آدینه ۲۹ فروردین منتشر ساخت، به ناکافی بودن دستمزدهای معلمان آزاد و شرایط معیشتی آنها اعتراض کرد.

معلمان در این بیانیه نوشته‌اند: "همه می‌دانند میانگین دریافتی معلمان در میان حقوق بگیران دولتی جزو پایین‌ترین دریافتیهاست و همه ساله تعداد قابل توجهی از آنان هم به دلیل کمبود نیرو به ویژه در مقطع متوسطه و به خصوص در تهران، برای رفع این کمبود نیرو و کسریهای حقوق ناچیز خود، به ناچار ساعاتی را به صورت حق التدریس مشغول به کار می‌شوند. بازهم همه می‌دانند که تعداد قابل توجهی از اینان معلمان بازنشسته‌ای هستند که شرایط دریافتی شان حتی از شاغلان نیز بدتر است و در سالهایی که لازم است به استراحت و تفریح بپردازند، به اجبار شرایط سخت معیشتی و البته نیاز آموزش و پرورش، به صورت حق التدریس به کار می‌پردازند."

این تشکل توضیح می‌دهد: "موضوع از این قرار است که جمع کثیری از مزدبگیران تامین اجتماعی، معلمان شاغل در بخش خصوصی هستند، از جمله معلمان آزاد (شاغل در غیرانتفاعیها)، معلمان آموزشگاه‌ها و معلمان موسسه‌های آموزشی آزاد. این معلمان حتی میزانی کمتر از حداقل حقوق مصوب را دریافت می‌کنند. بسیاری از آنها تنها درآمد زندگی شان از همین راه است و اغلب آنها در وضعیت معیشتی نامطلوبی به سر می‌برند."

خطر مرگ جان معلم زندانی را تهدید می‌کند



روح الله مردانی، دانشجو و معلم در بند، که به دلیل بی توجهی مسوولان قضایی کشور به خواسته هایش دست به اعتصاب غذای اعتراضی زده بود، پس از انتقال به بهداری زندان اوین کماکان در اعتصاب غذا و در شرایط جسمانی وخیمی بسر می‌برد.

او ۲۲ اسفند ۹۷ به بهداری زندان اوین منتقل شده و بدون آنکه به مراکز درمانی خارج از زندان فرستاده شود، در اعتراض به مخالفت مسوولان قضایی با آزادی مشروطش، شرایط نامناسب زندان و نبود رسیدگی پزشکی مناسب به وضعیت جسمانی اش، به اعتصاب غذای خود ادامه داده‌است.

آقای مردانی از ۷۰ روز پیش اعتصاب غذایش را آغاز کرده، ۳۵ روز پیش او را به دلیل شرایط بد جسمانی به بهداری زندان اوین منتقل کردند. وضعیت معده و کلیه اش به شدت وخیم است. کاهش وزن زیادی داشته و از طرف دیگر، مسوولان زندان از اعزام او به بیمارستان جلوگیری می‌کنند.

آسیب دیدگی ۱۵۰۰ مدرسه و تخریب ۸۰ باب دیگر در سیل

به گفته وزیر آموزش و پرورش در سیل اخیر در سطح کشور حدود ۱۵۰۰ مدرسه بین ۲۰ تا ۷۰ درصد آسیب دیده است و ۸۰ مدرسه از این تعداد نیز تخریب شده و قابل استفاده نیست.

محمد بطحائی وعده داد: "به لطف خدا از نظر تامین منابع بازسازی مشکلی وجود ندارد و امسال خیز بلندی برای استاندارد و مناسب سازی فضاهای آموزشی آسیب دیده برداشته می شود." وی با این حال گفت: "در این مسیر همچون گذشته از حمایت خیرین که همواره به آموزش و پرورش کمک کرده اند و تعهدات بسیار خوبی را قبول کرده اند بهره مندیم، چنانچه هم اکنون نیز جمعی از این خیرین در استانهای خوزستان و لرستان تعهدات بسیار خوبی را پذیرفته اند." بطحائی خاطر نشان کرد: "امید است بتوانیم شرایطی فراهم کنیم که دانش آموزان مهر ۹۸ در مدارس تازه ساخته شده و بازسازی شده مشغول به تحصیل شوند." وزیر آموزش و پرورش سپس افزود: "در مورد مدارس تخریبی و غیر قابل بازسازی نیز در صورت تاخیر در آماده سازی این مدارس، امکان فراهم کردن زمینه تحصیل دانش آموزان در مهر ماه در فضاهای موقت همچون کانکس پیش بینی شده است."

فراخوان شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران برای تجمع اعتراضی در ۱۲ اردیبهشت

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران، معلمان بازنشسته و شاغل کشور را دعوت به تجمع اعتراضی در روز معلم کرد. این گردهمایی روز پنجشنبه ۱۲ اردیبهشت در ادارات کل آموزش و پرورش استان و شهرستانها برگزار خواهد شد.



در فراخوان تشکل یاد شده گفته می شود که این تجمع "در راستای پیگیری مطالبات صنفی و آموزشی و در اعتراض به عدم توجه مسوولان به مطالبات بر حق فرهنگیان" برگزار می شود. لازم به ذکر است این شورا طی سال گذشته در تاریخهای ۲۲ و ۲۳ مهر و ۲۲ و ۲۳ آبان و ۱۲ تا ۱۴ اسفند طی سه فراخوان فرهنگیان کشور را به تحصن و خودداری از حضور در کلاسهای درس دعوت کرده بود. معلمان در سراسر کشور در هر سه دوره از حرکت اعتراضی برای تاکید بر خواسته هایشان استقبال کرده بودند.

این شورا همزمان با بیانیه اسفندماه ۹۷ اعلام کرده بود که در صورت تحقق نیافتن مطالبات، حرکتی اعتراضی دیگری را در دستور خواهد گذاشت.

(منابع: عفو بین الملل، ایرنا، رادیو زمانه، هرانا، کانون صنفی فرهنگیان، ایلنا، کمپین برای آزادی زندانیان سیاسی، ایسنا)

سرکوب، آزار، پرونده سازی، دستگیری، شکنجه و محاکمه فعالان کارگری در ایران را به شدت محکوم می کنیم.

کمک مالی به سازمان چریکهای فدایی خلق ایران از طریق **PayPal** به آدرس **bedostan@gmail.com**

دانشگاه در ماهی که گذشت (فروردین ۹۸)

کامران عالمی نژاد

جاری شدن سیل، نتیجه بی تدبیری حکومت

فروردین امسال مردم ایران بر خلاف روال عادی ایام نوروزی، دُچار مصیبتی دیگر، آنهم از سر بی تدبیری و بی لیاقتی این رژیم جنایتکار و فاسد گشتند و بدین سان زخمی دیگر بر پیکر نحیف آن دسته از اقشار کم درآمد و بی بضاعت افزوده شد.



مردمی که تنها دار و ندارشان چاردیواری از کاه و گِل و چند ده ذرع زمین زراعتی برای گذران زندگی خانواده شان بود، با جاری شدن این سیل همان هیچ را هم از کف دادند. در این میان، دانشجویان هم به مانند دیگر اقشار جامعه به نحوی با این بلای دست پرورده رژیم ولایت فقیه دست به گریبان شده و تا سرحد ممکن سعی در کاستن خسارات و زیانهای وارده به هموطنان و خانواده های خویش برآمدند.

دیگر بر هیچ کس پوشیده نیست که این نظام فاسد و جانی هیچ ارزشی برای مردم قایل نیست و تنها در فکر انباشت ثروت در حسابهای بانکی اهل بیت خود است، در آخرین مورد می توان به مخالفت علی خامنه ای با استفاده از منابع صندوق توسعه ملی برای سیل زدگان اشاره کرد.

رژیم جمهوری اسلامی طی چهار دهه حکومت خود، از ابتدا بدون در نظر گرفتن مسایل و مشکلات محیط زیستی همواره سعی در درآمد زایی از محیط زیست از قبیل مراتع، جنگلها، رودخانه ها، کوهپایه ها، سواحل و هر جا که بتواند پول کلان و بادآورده بدست آورد، بوده است.

اینک اما، بعد از دهها سال استفاده از این روشهای ویرانگرانه و ضد ملی، به طور حتم مشکلات عدیده ای گریبانگیر مردم کشور خواهد شد. احداث بی رویه سد های مختلف، بی آبی رودخانه های پایین دست و تالابها و دریاچه ها را به دنبال داشت و قطع درختان و تغییر کاربری جنگلها و مراتع، یورش سیل آبهای غیر قابل کنترل را. اساتید، دانشجویان و تشکلهای غیردولتی محیط زیستی همواره به این نکات اشاره کرده اند.

اما از آنجا که حکومت ضدبشری جمهوری اسلامی هیچ علاقه ای به آگاه سازی مردم از افتضاحات به وجود آورده به خصوص در زمینه محیط زیست توسط ایادی و سرسپردگان خود "صاحبان پول و تفنگ" ندارد، همواره سعی در مسدود ساختن راه این گونه پژوهشها و اطلاع رسانیها داشته است. در سال ۱۳۹۶ سه پژوهشگر دانشگاه تبریز در کاری گروهی به خطر جاری شدن سیل در آق قلا اشاره کردند.

این پژوهشگران با شبیه سازی دوبعدی جریانهای سیلابی شهری با مدل CCHE2D به بررسی بازتاب رفتار هیدرولیکی شهر آق قلا در برخورد با سیلابهای یکصد ساله رودخانه گرگان رود پرداخته و با استفاده از شاخص مخاطره ورودی لازم برای تدوین برنامه واکنش سریع، مدیریت بحران، بیمه سیلاب استخراج کردند. آنها با توجه به الگوی جریان شکل گرفته در سیلاب و نقشه های شاخص مخاطره، تخلیه کلی شهر را امری ضروری دانسته و از طرفی با توجه به مساحت پهنه پر خطر، میزان خسارات وارده را سنگین محاسبه کردند.

همچنین آنها در این تحقیق متذکر شده بودند که در مبحث توسعه پایدار و رابطه آن با سیلاب های شهری، در صورت گسترش مناطق شهری، توسعه شهر آق قلا به صورت عرضی و نه در جهت مسیل رودخانه امری ضروری است. دیگر آنکه، احداث دایک و دیواره های سیل بند را در امتداد مسیر رودخانه برای جلوگیری از خروج جریان در زمان وقوع سیل پیشنهاد داده بودند، اولویت تدوین برنامه واکنش سریع و مدیریت بحران از دیگر مسایلی است که به آن پرداخته شده است.

ولی از آنجا که این حکومت با تمامی دسته بندی های آن، ضد بشری و ضد ایرانی است و با به اجرا گذاشته شدن طرحهای مفید و سازنده، دست چپاولگران را از به تاراج بردن و سودهای کلان کوتاه خواهد کرد، لذا این طرح و پژوهش هم به مانند ده ها طرح مفید و سازنده دیگر به کار گرفته نشد.

دانشجویان و مردم ایران به خوبی به این حقیقت واقف گشته اند که برای جلوگیری از صدمات جانی و مالی بیشتر و نگهداری بهینه از محیط زیست باید ابتدا این حکومت جنایتکار و فاسد را سرنگون کرد.

پیش بینی وقوع سیل آق قلا در سال ۱۳۹۶ توسط دانشجویان مهندسی عمران تبریز

دانشجویان مهندسی عمران تبریز در زمستان ۱۳۹۶ پس از یک تحقیق دامنه دار، نسبت به وقوع سیل در منطقه آق قلا هشدار داده و برای پیشگیری از آن راهکارهایی را ارائه کرده بودند.



در این تحقیق با استفاده از نرم افزار D۲CCHE به بررسی بازتاب رفتار هیدرولیکی شهر آق قلا در برخورد با سیلابهای صد ساله گرگان رود پرداخته شده و نتیجه گرفته شده بود: "با توجه به نقشه های شاخص مخاطره در محدوده شهر آق قلا، غالب مناطق متأثر از سیلاب، در وضعیت پرخطر قرار دارند. این مناطق به شدت دچار آسیب شده و برای شهروندان نیز بسیار خطرناک است. تخلیه سریع این مناطق می تواند از اولویتهای تدوین برنامه واکنش سریع و مدیریت بحران باشد."

دانشجویان با یادآوری دوره های متوالی سیل تاکید کرده بودند: "تعیین دوره بازگشت سیلاب بستگی به سرمایه گذاری دولت برای حفظ جان مردم و حفاظت تأسیسات و همچنین اقتصاد ملی دارد."

وزارت اطلاعات دانشجوی اخراجی را تهدید به قتل کرد

شاهین ذوقی تبار، دانشجوی اخراجی، از سوی وزارت اطلاعات تهدید به قتل شد.

این دانشجوی اخراجی در توییت خود نوشت: "برای اطلاع عموم می نویسم، وزارت اطلاعات مرتب من را تهدید می کند که در صورت عدم همکاری مرا به صورت یک صحنه سازی به قتل می رساند. من اعلام می کنم هر اتفاقی به هر صورتی برای من بیفتد، مقصر اصلی رژیم و وزارت اطلاعاتش است."

شاهین ذوقی تبار که پنج سال در بند نظام استبدادی اسیر بود، در بهمن ماه سال گذشته از زندان آزاد شد. او به اتهام هواداری از سازمان مجاهدین خلق زندانی شده بود.



محکومیت دانشجوی منتقد به ۳ سال زندان و ۷۴ ضربه شلاق



مجتبی داداشی جوردھی، دانشجوی رشته علوم سیاسی دانشگاه حکیم سبزواری، به ۳ سال حبس تعزیری و ۷۴ ضربه شلاق محکوم شد.

وی در بهمن ماه سال گذشته در پی انتشار ویدیویی انتقادی از نظام حاکم بازداشت و پس از سه روز با وثیقه ۲۰۰ میلیون تومانی به طور موقت آزاد شد. او در این ویدیو از جمله گفته بود: "به خدا قسم این نظام نه اسلامی است، نه انقلابی، نه جمهوری. این نظام متعلق به یک اقلیت است که سالها خون مردم ایران را در شیشه کرده اند."

این دانشجوی پس از صدور حکم بیدادگاه نیز با به اشتراک گذاشتن ویدیویی از ستمی که بر او رفته گفت: "من به دلیل انتقاد از اصلاح طلبان و اصول گرایان و همینطور انتقاد از شخص رهبری به این حکم محکوم شده ام. اما همه مقامات و مسوولان ارشد نظام را به مناظره دعوت می کنم."

۲۰ هزار داوطلب در همبستگی با سیل زدگان خواستار تعویق کنکور ارشد شدند

بیش از ۲۰ هزار تن از داوطلبان آزمون ارشد ۹۸ دانشگاه های کشور به دلیل مشکلات ایجاد شده برای داوطلبان این



آزمون در مناطق سیل زده، با ایجاد کمپینی خواستار تغییر زمان برگزاری این آزمون شدند. طبق اعلام قبلی سازمان سنجش کشور این آزمون در تاریخ ۵ و ۶ اردیبهشت ماه برگزار می شود.

در بخشی از این نامه گروهی که خطاب به وزیر علوم نوشته شده آمده است: "ما امضا کنندگان این نامه بر آن شدیم تا در راستای حمایت از

داوطلبان کنکور کارشناسی ارشد سال ۹۸ که ساکن مناطق سیل زده می باشند و همچنین جلوگیری از بی ثمر ماندن تلاشها و رعایت عدالت آموزشی و کاهش آلام این عزیزان که امیدشان به ناامیدی تبدیل نشود، از شما وزیر محترم درخواست کنیم تاریخ برگزاری آزمون را بین ۱ تا ۲ ماه به تعویق بیاورید."

با این حال، سیدجواد ساداتی نژاد، عضو کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس شورای اسلامی و شورای سنجش و پذیرش دانشجو، روز جمعه در گفت و گویی اعلام کرده است که این موضوع در جلسه کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس بررسی می شود.

تشکیل گروه داوطلب پرستاران و دانشجویان پرستاری شیراز برای کمک به سیل زدگان استان

ویدا پرویزی، رییس خانه پرستار استان فارس، از تشکیل گروه داوطلب از سوی جمعی از پرستاران استان شیراز برای کمک به مناطق سیل زده این استان خبر داد. وی توضیح داد: "هسته اولیه این اجتماع در ابتدا حدود ۶ تا ۷ نفر بود که



کم گسترده تر شد و اکنون تیمی حدود ۲۰۰ نفره، متشکل از پرستاران، دانشجویان پرستاری و برخی افرادی که در خدمات فنی ما را همراهی می کنند، کار کمک‌رسانی بهداشتی و درمانی به سیل زدگان شیراز را انجام می دهند و در شبکه های اجتماعی با هم ارتباط برقرار می کنند."

پرویزی افزود: "باوجود تلاش برای ملحق شدن پزشکان به این گروه برای کمک به سیل زدگان و جمع آوری کمک مالی، موفق به جلب همکاری آنان نشدیم. البته پزشکان در محل بیمارستانها حضور داشتند."

رئیس خانه پرستار استان فارس گفت: "کمکها را خودمان به مردم سیل زده می رسانیم و به سازمانی تحویل نمی دهیم."

بی اعتنائی مسوولان به جان و سلامتی دانشجویان دانشکده پرستاری پلدختر

به دنبال وقوع سیل و آبگرفتگی اخیر در استان لرستان، حدود ۷۰ درصد از ساختمان دانشکده پرستاری پلدختر و خوابگاههای مربوطه تخریب شده است و امکان برقراری کلاسهای این ترم در دانشکده وجود ندارد. با این حال مسوولان



دانشکده پرستاری پلدختر اصرار به تشکیل کلاسها در این منطقه سیل زده دارند.

در همین رابطه یکی از دانشجویان دانشکده پرستاری گفت: "۹۸ درصد از

دانشجویان دانشکده پرستاری شهر پلدختر خوابگاهی هستند و مسوولان دانشگاه با وجود وضعیت بحرانی این منطقه، اصرار به تشکیل کلاسها و اسکان دانشجویان خوابگاهی در شهر پلدختر دارند."

دانشجوی دیگری نیز گفت: "مسوولان دانشگاه علوم پزشکی لرستان واهمه دارند با انتقال دانشجویان به دانشکدههای پرستاری در شهرستانهای دیگر استان، امتیاز دانشکده پرستاری پلدختر لغو شود. به همین جهت در شرایطی که سیل شهر را از بین برده و بیماریهای عفونی و بیماری سالک در حال شیوع است، اصرار به ادامه ترم در شهر پلدختر دارند و حاضر به انتقال ما به شهرهای همجوار نیستند." رئیس دانشکده پرستاری پلدختر در این رابطه گفت: "اسکان دانشجویان

در شهر پلدختر یک تصمیم جمعی است که توسط رییس دانشگاه علوم پزشکی استان لرستان و مسئولان شهر پلدختر گرفته شده است. "اکبر جوادی استدلال کرد: "با توجه به رشته تحصیلی دانشجویان دانشکده، همچون پرستاری و فوریت‌های پزشکی، آنها باید این شرایط را تجربه کنند"

فارغ از تحصیلان بیکار، معضلی بزرگتر از بیکاری

نماینده بهبهان در مجلس شورای اسلامی بیکاری را معضل اصلی کشور توصیف کرد و گفت: "اکنون با معضلی بزرگتر از بیکاری روبرو هستیم و آن چالش فارغ التحصیلان بیکار دانشگاهی است." حبیب الله کشت‌زر میزان بیکاری در بهبهان و آغا‌جاری را بسیار بالا توصیف کرد و گفت: "در حال حاضر بیش از ۲۵ هزار بیکار در حوزه انتخابیه ام وجود دارد که بیشتر آنان فارغ التحصیلان دانشگاهی با معدل‌های بالای ۱۸ هستند." مقام حکومتی ادامه داد: "کمترین مدرک تحصیلی بیکاران مراجعه کننده لیسانس است و فوق لیسانس و دکترا نیز به وفور در بین بیکاران وجود دارد." لابی عضو مجلس بزرگترین مانع اشتغالزایی را قوانین دست و پاگیر دانست و گفت: "سرمایه‌گذار را با هزاران مشکل جذب می‌کنیم و هنگامی که قرار است مجوز به آنها داده شود، هزاران اما و اگر بر سر راه آنها می‌گذاریم."

دانشجوی زندانی از حسن روحانی شکایت کرد



ابراهیم نوری، دانشجوی محبوس در زندان اوین، از حسن روحانی به عنوان رییس جمهوری به علت عدم صیانت از قانون اساسی شکایت کرده است. در این نامه ابراهیم نوری با استناد به قوانین مندرج در قانون اساسی جمهوری اسلامی و زیر پا گذاشته شدن و عدم پایبندی دولت به همان قوانین اشاره می‌کند و سر آخر شکایت خود را از حسن روحانی به عنوان رییس دولت به دادستان تهران تسلیم می‌دارد.

ابراهیم نوری دانش آموخته زبان انگلیسی و دانشجوی حقوق دانشگاه آزاد اهر است که از ۱۱ تیرماه ۱۳۹۷ به ظن شرکت در تجمعات قلعه بابک در تهران در بازداشت بسر می‌برد. او از دوران دانش آموزی تاکنون بیش از ۳۰ بار بازداشت گردیده و چندین نوبت در زمان بازداشت دست به اعتصاب غذا زده است.

نامه ۱۵۰ استاد دانشگاه به روحانی: برای نجات خوزستان، هورالعظیم را آبخیری کنید

۱۵۰ استاد دانشگاه اهواز در نامه ای که روز شنبه ۲۴ فروردین انتشار یافت، خطاب به حس روحانی بر لزوم آبخیری تالاب هورالعظیم "در اسرع وقت" و "به صورت دائمی" جهت نجات شهرها و روستاهای خوزستان تاکید کردند. آنها در این نامه یادآور شده اند: "علی رغم وعده‌مسوولان محترم در مورد آبخیری تالاب هورالعظیم برای هدایت سیل جاری در خوزستان و برخلاف درخواستها و تقاضاهای مکرر همه‌آحاد مردم، بزرگان و دلسوزان، همچنان از آبخیری بخشهایی از تالاب هورالعظیم خودداری می‌شود و این امر موجب مصائب بسیاری برای مردم، به ویژه اقشار مستضعف استان شده است."

استادان دانشگاه اهواز افزودند: "خواستاریم که در اسرع وقت، فرمان آبیگری کل تالاب هورالعظیم به صورت دائمی داده شود تا از خطرات جانی و مالی و فلج شدن فعالیت بسیاری از مردم، گروه‌ها، نهادها و موسسات و خسارات جبران‌ناپذیر زیست محیطی به مردم خوزستان پیشگیری گردد." آنها همچنین به این مقام حکومتی تاکید کرده اند: "هر گونه فعالیت اقتصادی در تالاب هورالعظیم از جمله در حوزه نفت، باید با حفظ محیط زیست تالاب باشد. لزومی به یادآوری نقش حیاتی تالابهای استان خوزستان در معاش مردم ساکن آن و کنترل ریزگردها و زیست محیط استان نیست که حضرتعالی به آن کاملاً واقف هستید."



مربا به جای نان برای دانشجویان زابل

دانشجویان دانشگاه زابل در اعتراض به بی کیفیتی غذا و نداشتن نان در سلف سرویس، سینیهایشان را مقابل سلف سرویس روی زمین چیدند. یکی از دانشجویان در کلیپی که به اشتراک گذاشته می گوید: "یک هفته است نان به ما نمی دهند و می گویند مربا بخورید چون با نانویی مشکل دارند."

تجمع و راهپیمایی دانشجویان دانشکده پرستاری پلدختر

روز شنبه ۲۴ فروردین، دانشجویان دانشکده پرستاری پلدختر در اعتراض به تشکیل کلاس‌ها در منطقه سیل زده در دانشگاه علوم پزشکی لرستان تجمع کردند و به دنبال عدم پاسخگویی مسوولان به طرف استانداری راهپیمایی کرده و در آن محل تجمع کردند.

دانشجویان دانشکده پرستاری دانشگاه پلدختر بار دیگر روز دوشنبه ۲۶ فروردین مقابل دانشگاه دست به تجمع اعتراضی زدند. این دانشجویان به تشکیل کلاسهای درس با وجود سیل اعتراض داشتند. با شروع سیل ویرانگر در استان لرستان و خسارات جانی و مالی که به مردم محروم این منطقه وارد شد دانشگاه پرستاری پلدختر نیز مشمول این ویرانگری بود و بخش اعظمی از دانشگاه ویران شده است. دانشجویان این دانشگاه خواستار انتقال شان به مناطق و دانشگاههایی بودند که بتوانند به درس شان ادامه دهند.

(منابع: دانشجو آنلاین، اؤیرنجی، آنا، ایرنا، خبرگزاری دانشجو، ایلنا، تسنیم، افکارنیوز، ایسنا، شفقنا، خبرآنلاین)

به رادیو پیشگام در آدرس زیر گوش کنید

www.radiopishgam.com

کانال تلگرام رادیو پیشگام

@radiopishgam

<https://telegram.me/radiopishgam>

کارورزان سلامت (فروردین ۹۸)

امید برهانی

اخبار اتفاقات جوی ناخوشایند روزهای نخستین سال ۹۸ و تبعات سنگین آن که شامل تلفات انسانی و خسارات هنگفت مالی، آوارگی و تشدید فلاکت دهها هزار نفر از هموطنان در استانهای مختلف شد، سایر اخبار را تحت الشعاع خود قرار داد. عموم کارشناسان و فعالان زیست محیطی و اجتماعی، این حوادث و مشابهات فراوان آنها را ناشی از بی عزمی و بی لیاقتی مسوولان نظام اسلامی در پیشگیری و کنترل آنها می دانند، در این میان کمکهای خودجوش مردم و صنوف مختلف با وجود برنامه خشونت و سرکوب حکومت در برابر این حرکات، تا همین زمان ادامه یافته و صنف پرستاران و فعالان سلامت نیز از این قاعده انسانی مستثنا نبوده است. تشکیل و اعزام گروههای امدادی از پیراپزشکان و پرستاران به تمام استانهای سیل زده و جمع آوری و ارسال کمکهای نقدی و جنسی آنها به مناطق یاد شده را شاید بتوان عمده ترین فعالیت مدنی این صنف از نیروهای کار در سال نو دانست. شرح جزئیات این اقدامات بشر دوستانه گسترده ی کارورزان سلامت به طور کامل در رسانه های داخلی منعکس شده و در اینجا تنها به چند مورد اشاره می شود.

پاسکاری تعرفه های پرستاری بین مجلس و دولت

حسینعلی شهرباری، رییس کمیسیون بهداشت و درمان مجلس، گفت: "به اعتقاد بنده جامعه پرستاری در حال حاضر خلا قانونی ندارد و این دولت است که متاسفانه تعرفه ای که برای پرستاری تعریف کرده ایم را اجرایی نمی کند."

وی تاکید کرد: "این تعرفه در ابتدا باید در شورای عالی بیمه و بعد در هیات دولت تصویب شود، اما متاسفانه تاکنون هیچیک زیر بار اجرای این قانون نرفته اند و ظلمی است که در حق جامعه پرستاری شده است."



ترور تکنسین اورژانس در حین ماموریت

در دومین روز از سال نو، یکی از پرسنل وظیفه شناس اورژانس در حین ماموریت توسط افراد ناشناس مورد اصابت گلوله قرار گرفت و جان باخت. عبدالهادی شهداد زهی، از تکنسینهای پایگاه اورژانس زاهدان، هنگام ماموریت و در مسیر شهرستان خاش به ایرانشهر، توسط افراد ناشناس مورد اصابت گلوله قرار گرفت و جان باخت.



کمکهای نقدی پرستاران منطقه شرق هرمزگان به هموطنان سیل زده استان گلستان

رییس نظام پرستاری شهرستانهای میناب، سیریک، جاسک و بشاگرد از اهدای و جمع آوری کمک نقدی بیش از ۵۵ میلیون ریال توسط پرستاران به مناطق سیل زده کشور خبر داد.

مرتضی حکمتی در این باره گفت: "پرستاران با برگزاری مراسم آشپزی و پخت غذاهای سنتی به یاری هموطنان آسیب دیده شتافتند و درآمد این مراسم به سیل زده اهدا شد."



مشکلات و چالشهای پرداختها در نظام سلامت

عضو شورای عالی نظام پرستاری با اشاره به مشکلات نظام پرداخت در سیستم بهداشت و درمان در روز شنبه ۱۰ فروردین گفت: "نقدهای بسیاری بر نظام پرداخت در نظام سلامت وارد است که باعث شکاف طبقاتی بین اقشار مختلف کارکنان نظام سلامت و منجر به سو تفاهم شده است و ناخودآگاه این گروه ها را تبدیل به شهروندان درجه یک و دو کرده است."

عباس عبادی تاکید کرد: "از طریق ایجاد نظام "فیکس پیمنت" (Fix

payment) می توان عدالت در نظام سلامت را ایجاد نمود. فیکس پیمنت نیازهای القایی و هزینه های اضافی که سربار نظام سلامت است را برطرف خواهد کرد، مشروط بر این که این قاعده برای همه همکاران پزشک، پرستار، پیراپزشک و گروههای توانبخشی به صورت یکسان اجرا شود."

وی افزود: "هدف از یکسان سازی، مساوات در پرداخت نیست، بلکه فیکس پیمنت برای تمامی گروه ها براساس ساعت کار، بیمار و یا حقوق ثابت قاعده مند شود و حداقل کار همراه با حداکثر کیفیت برای همه کارکنان نظام سلامت ممیزی شود و به لحاظ کنترل کیفیت، ساز و کار آن را هم پیش بینی کنند."



ضرب و شتم پرسنل اورژانس گیلان حین ماموریت نروزی

پرسنل فوریتهای پزشکی خمام حین ماموریت، زمانی که در حال ارائه خدمات پیش بیمارستانی به یک مصدوم حادثه ترافیکی بود، مورد حمله و ضرب و شتم قرار گرفت.

ضارب هیچ ارتباطی به صحنه حادثه نداشت و تنها به علت اینکه خودرو خود را نمی توانست به راحتی عبور دهد، به امدادگر اورژانس حمله ور شد.

پرسنل آسیب دیده به شدت از ناحیه صورت آسیب دید و برای درمان به بیمارستان پورسینا رشت منتقل شد.

NGO پرستاران کوهدشت به ۱۴ روستای لرستان امدادرسانی کرد

تشکل مردم نهاد پرستاران در کوهدشت برای کمک به سیل زدگان فعال شده است.

"انجمن سفیران سلامت کوهدشت" متشکل از پرستاران این شهرستان اقدام به کمک رسانی به مناطق سیل زده کوهدشت کرد و تیمهای درمانی به روستاهای این شهرستان اعزام کرده. این NGO توسط پرستاران بیمارستان کوهدشت تاسیس شده است.

به گفته پویان فلاحی (مدیرعامل انجمن سفیران سلامت کوهدشت)، ۶ نفر از هیات مدیره این NGO پرستاران هستند و پرستاران بیمارستان کوهدشت که تعداد آنها به حدود ۲۰۰ پرستار می رسد، به صورت داوطلبانه شرکت داشته اند. همچنین پزشک، پرستار، ماما و کارشناس بهداشت در تیم امدادرسانی این NGO در کمک به سیل زدگان فعال بوده اند.



این فعال صنفی پرستاران گفت: "از روز جمعه (۱۶ فروردین) کمک رسانیها از رودبار آغاز شد و روز بعد به منطقه حیات الغیب کوهدشت رفتیم که ۴۰ خانه به کلی زیر آب رفته بود. روز یکشنبه به منطقه شاهینوند امدادسانی شد و تاکنون به ۱۴ روستا امدادسانی کرده ایم."

فلاحی افزود: "روز اول که به رودبار رفتیم به دلیل محدودیت فضای قایقها فقط ۱۳ نفر توانستیم به منطقه اعزام کنیم. اما هر بار فراخوان می دهیم، حدود ۳۰ تا ۴۰ پرستار اعلام آمادگی می کنند اما طبق ظرفیت در هر امدادسانی پرستاران را با خودمان همراه می کنیم."

وی ادامه داد: "این NGO در ایام دیگر سال نیز اقداماتی به صورت مداوم انجام می دهد و برنامه ای به نام "جمعه سلامت" داریم که به صورت داوطلبانه خدمات بهداشتی و درمانی را به مناطق محروم رسانده و تا الان نزدیک به ۸ بار جمعه سلامت رفته ایم و ۶ هزار نفر را طی آن غربالگری کرده ایم."

اعزام پرستاران بحران به اهواز / خطر بیماریهای عفونی



معاون پرستاری وزارت بهداشت از خطر شیوع بیماریهای عفونی در استان خوزستان به دلیل شرایط جوی و گرم شدن سریع هوا، بالا آمدن فاضلابها، حضور جمعیت در اردوگاهها، خطر رشد بیماریهای عفونی مختلف از جمله عفونتهای گوارشی و پوستی خبر داد. مریم حضرتی در روز ۲۰ فروردین به وجود افراد پرخطر از جمله سالمندان، کودکان، مادران باردار و بیماران در بین کسانی که اسکان داده شده اند اشاره کرد و افزود: "این مساله حساسیت کار را بیشتر می کند و با بررسیهای انجام شده ضرورت دارد

گروه پرستاری سلامت جامعه، سلامت روان و سلامت سالمندی و نیز یک گروه ۲۵ نفره از پرستاران بحران به اردوگاه ها اعزام شوند."

تعرفه گروه های پزشکی اعلام شد، اما خبری از تعرفه پرستاران نیست

وزارت بهداشت تعرفه گروههای پزشکی در سال ۹۸ را ابلاغ کرده است، اما بعد از گذشت ۱۲ سال از تصویب قانون تعرفه گذاری خدمات پرستاری، همچنان خبری از اعلام تعرفه های پرستاری نیست.

جمعی از پرستاران در تماس با خبرنگار رسانه دولتی "ایلنا" از اجرای نشدن قانون تعرفه گذاری خدمات پرستاری در سال جدید انتقاد کردند. این پرستاران با بیان اینکه سیاستگذاران وزارت بهداشت همواره منافع یک اقلیت خاص یعنی پزشکان را بر منافع عام ارجح می دارند، افزودند: "اجرای قانون تعرفه گذاری خدمات پرستاری با کاستن از هزینه های درمان، هم به نفع مردم و هم به نفع صندوقهای بیمه است؛ صندوقهایی که این روزها چندان حال و روز خوشی ندارد. اما علیرغم همه اینها، مقامات وزارت بهداشت تنها به رضایت پزشکان می اندیشند و لاغیر."

انتقاد از پیشنهاد نظام پرداخت "فیکس پیمنت"

یک پژوهشگر پیرامون مشکلات نظام پرداخت در وزارت بهداشت در روز شنبه ۲۴ فروردین گفت: "در حال حاضر نظام پرداخت در وزارت بهداشت فی فور سرویس (Fee-for-service (FFS) است که در این نظام پرداختی، برای پزشکان تعرفه در نظر گرفته شده، اما برای گروههای پرستاری این تعرفه در نظر گرفته نشده است.

مهدی اسفندیاری ادامه داد: "در این نظام پرداخت، وزارت بهداشت تنها منافع گروه خاصی را در نظر گرفته و در سیاست گذاریها و برنامه ریزیهای خود به جز پزشکان، جامعه پرستاری و دیگر گروه های خدمت گذار را به عنوان همکار و عضوی

از تیم سلامت نمی شناسد و تنها از روی تعارف نام جامعه پرستاری را در کنار نام پزشکان عنوان می کنند تا هیجانانگیزه کاهش دهند." وی با اشاره به این که برای تغییر نظام پرداخت از فی فور سرویس به فیکس پیمنت نیاز به ایجاد انگیزه است، تصریح کرد: "برای تغییر نیاز است که مسایل کیفی در نظر گرفته شود و مزایا و معایب آن مورد بررسی قرار گیرد. به اعتقاد من فیکس پیمنت بدون سیستم انگیزشی قابل اجرا نیست و همچنین در نظام پرداخت فیکس پیمنت، بیماران بیشترین آسیب و ضرر را متحمل خواهند شد."

اسفندیاری توضیح داد: "در کشور ما اگر برای پزشکان حقوق ثابت در نظر گرفته شود، بیماران را به بخش خصوصی انتقال می دهند. بنابراین در نظام سلامت با پیشنهاد طرحهای بیهوده، وقت ملت و مردم را تلف می کنند. مشکل اصلی نظام پرداخت، عدم نظارت است و هر قانونی هم که تصویب شود، اجرایی نخواهد شد، زیرا ذینفعان تصمیم گیر هستند و این امر در تمامی حوزه ها وجود دارد."

کمبود پرستار در خوزستان بیداد می کند

روز دوشنبه ۲۶ فروردین، عضو هیات مدیره نظام پرستاری اهواز با بیان این که مردم خوزستان از کمترین امکانات بهره مند هستند، اظهار داشت: "در پی وقوع سیل در خوزستان و با توجه به کمبود امکانات، در حال حاضر روستاهایی وجود دارد که امکان دسترسی به آنها نیست و همچنین شیوع بیماریهای واگیردار به دلیل آلودگی، جان مردم استان خوزستان را تهدید می کند."

دعیر بوعدار خاطر نشان کرد: "ضریب پرستار به تخت در استان خوزستان ۰.۶ است و این تعداد نسبت به سایر استانهای کشور پایین تر بوده که مشکلات بسیاری به تبع این کمبود نیرو در مراکز درمانی خوزستان ایجاد کرده است." وی ادامه داد: "علاوه بر کمبود نیرو، پرستاران خوزستانی از کارانه کمتری نسبت به هم صنفیهای خود در سایر شهرستانها در سطح کشور برخوردارند و با این تفاسیر ۱ سال است که معوقات آنان نیز پرداخت نشده و این امر سبب بی انگیزگی در پرستارانی که در شرایط بدی جوی در حال ارائه خدمات به بیماران هستند، شده است."

تعرفه پزشکی بیمارستانهای خصوصی بیش از چهار برابر تعرفه های دولتی

با اعلام افزایش تعرفه های پزشکی در سال ۹۸ که در بخش دولتی و خصوصی به ترتیب ۱۰ و ۱۳ درصد بود، شکاف تعرفه های بخش دولتی و خصوصی به بیش از چهار برابر رسید.

حسین علی نسایی (عضو شورای عالی نظام پرستاری)، روز چهارشنبه ۲۸ فروردین با اشاره به اینکه قرار بود، تفاوت تعرفه های خصوصی و دولتی دو برابر باشد، تاکید کرد: "وقتی درصد افزایش امسال را نگاه کنید، می بینیم که تفاوت معنادار است. با ذره ذره تفاوت قایل شدن بین تعرفه های پزشکی و پرستاری، تفاوت در تعرفه خصوصی و دولتی از دو برابر به چهار برابر و بیشتر رسیده است. متأسفانه بخش خصوصی با لابی که دارد، به دنبال سوداگری و سودآوری است. پزشکان می گویند بخش خصوصی اصلاً سودآور نیست. اما دقت کنیم می بینیم که به شدت به دنبال سهام بیمارستانهای خصوصی هستند، چرا که به شدت برایشان سودآور است."

وی افزود: "امروز می بینیم که چطور بخش دولتی مجبور به افزایش تختههای بیمارستانی و انجام کارهای توسعه ای است. متأسفانه با سوداگری بیشتر بخش خصوصی، نظام سلامت هرچه بیشتر از حالت نرمال خارج می شود و تناقضات زیادی در آن به وجود می آید. دولت باید از بار بخش دولتی بکاهد."

جدول: بیان بخش الحساب بیماراران با توجه به نوع بیمه های درمانی

نوع بیمه	تعداد بیماران	مبلغ کل خدمات	مبلغ کل خدمات به ازای هر بیمار
بیمه تامین اجتماعی	۱۲۰۰۰۰	۱۲۰۰۰۰۰۰۰	۱۰۰۰۰
بیمه خدمات درمانی	۸۰۰۰۰	۸۰۰۰۰۰۰۰	۱۰۰۰۰
بیمه سلامت	۵۰۰۰۰	۵۰۰۰۰۰۰۰	۱۰۰۰۰
بیمه بازنشستگی	۳۰۰۰۰	۳۰۰۰۰۰۰۰	۱۰۰۰۰
بیمه بازنشستگی	۲۰۰۰۰	۲۰۰۰۰۰۰۰	۱۰۰۰۰
بیمه بازنشستگی	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰۰۰۰	۱۰۰۰۰
بیمه بازنشستگی	۵۰۰۰	۵۰۰۰۰۰۰	۱۰۰۰۰
بیمه بازنشستگی	۳۰۰۰	۳۰۰۰۰۰۰	۱۰۰۰۰
بیمه بازنشستگی	۲۰۰۰	۲۰۰۰۰۰۰	۱۰۰۰۰
بیمه بازنشستگی	۱۰۰۰	۱۰۰۰۰۰۰	۱۰۰۰۰
بیمه بازنشستگی	۵۰۰	۵۰۰۰۰۰	۱۰۰۰۰
بیمه بازنشستگی	۳۰۰	۳۰۰۰۰۰	۱۰۰۰۰
بیمه بازنشستگی	۲۰۰	۲۰۰۰۰۰	۱۰۰۰۰
بیمه بازنشستگی	۱۰۰	۱۰۰۰۰۰	۱۰۰۰۰
بیمه بازنشستگی	۵۰	۵۰۰۰۰۰	۱۰۰۰۰
بیمه بازنشستگی	۳۰	۳۰۰۰۰۰	۱۰۰۰۰
بیمه بازنشستگی	۲۰	۲۰۰۰۰۰	۱۰۰۰۰
بیمه بازنشستگی	۱۰	۱۰۰۰۰۰	۱۰۰۰۰
بیمه بازنشستگی	۵	۵۰۰۰۰۰	۱۰۰۰۰
بیمه بازنشستگی	۳	۳۰۰۰۰۰	۱۰۰۰۰
بیمه بازنشستگی	۲	۲۰۰۰۰۰	۱۰۰۰۰
بیمه بازنشستگی	۱	۱۰۰۰۰۰	۱۰۰۰۰

منابع: نوع بیمه به صورت بخش الحساب می باشد.

زنان در مسیر رهایی (فروردین ۹۸)

اسد طاهری

استعفای دسته جمعی زنان ماهنامه واتیکان در اعتراض به مردسالاری سردبیر

بنیانگذار و کلیه کارکنان زن یک نشریه ماهانه در واتیکان، وابسته به کلیسای کاتولیک، در اعتراض به آنچه "تلاش برای محدود کردن زنان شاغل و اعمال مستقیم مردسالاری" از سوی سردبیر جدید خواندند، در حرکتی دسته جمعی استعفا کردند.



ماهنامه "زنان، کلیسا، جهان" که به عنوان ضمیمه روزنامه "اسرواتور رومانو"، ارگان مطبوعاتی رسمی کلیسای واتیکان، منتشر می شود، بر مسائل زنان متمرکز است و پیشتر با انتشار مقالاتی پیرامون سوواستفاده جنسی کشیشها از راهبه ها و همینطور کار رایگان راهبه ها برای اسقفها جنجال ساز شده بود.

"لوچه تا اسکارافیا"، بنیانگذار این نشریه، در نامه ای

سرگشاده به پاپ فرانسیس، رهبر کلیسای کاتولیک، گفته است ۱۱ زن کارمند این نشریه احساس می کنند تحت سردبیری جدید که سعی دارد سیستم مدیریتی کهنه و از بالا به پایین و مردسالارانه را دیکته کند، "وادار به سکوت درباره سوواستفاده جنسی از زنان در کلیسای کاتولیک شده اند".

نشریه "زنان، کلیسا، جهان" ماهانه در تیراژ ۱۲ هزار نسخه منتشر می شود و روزنامه نگارانی یهودی و آتئیست نیز در تحریریه آن حضور دارند.

شکنجه جنسی گسترده مهاجران عازم اروپا در بازداشتگاههای لیبی



نتایج یک تحقیق تازه نشان می دهد مهاجران و به ویژه زنانی که برای دریافت پناهندگی عازم اروپا هستند، در طول سفر خود و به طور خاص در لیبی مورد آزار و شکنجه جنسی مداوم قرار می گیرند.

مهاجران روایتی وحشتناکی از تجاوز، همخوابگی اجباری با محارم و آزار جنسی دسته جمعی با هدف تحقیر نقل کرده اند. در پاره ای موارد مهاجران را برهنه کرده و آنان را وادار ساخته اند به یکدیگر تجاوز کنند.

بسیاری از این رفتارها در زندانهای مخفی و محلهای نامعلوم

انجام می پذیرد و اغلب مهاجران به دلیل خطرات تلخ از این مناطق تمایلی به تعریف وقایع صورت گرفته ندارند. تحقیقات مشابه نشان می دهد آزار جنسی و فیلمبرداری از آن به منظور اخاذی از خانواده ها به صورت گسترده ای در دیگر نقاط جهان نیز ادامه دارد و پناهجویان روهینگیا در بنگلادش و پناهجویان سوری در خاورمیانه قربانیان آن به شمار می روند.

ماه جاری اتحادیه اروپا با صدور بیانیه ای اعلام کرد با کاهش آمار مهاجران به ۱۰ درصد در این قاره در مقایسه با آمار سال ۲۰۱۵، بحران مهاجرت پایان یافته است.

در این بیانیه به وضعیت خطرناک بازداشتگاههای لیبی اشاره شده، اما از راه حل برای آن حرفی به میان نیامده است.

زنان، پیشتاز اعتراضات سودان



"آلاء صالح"، زن سودانی که میان معترضان متحصن در محوطه فرماندهی کل ارتش سودان در خارطوم پایتخت این کشور ایستاد، به نماد اعتراضهای سودان تبدیل شد.

ویدیوهای این زن در حالی که می خواند: "شعبی یزید ثوره" (مردم من انقلاب می خواهند) در شبکه های اجتماعی منتشر شد. او چندین بار هم عبارت "عزیز من کندانه" را با اشاره به زنان شرکت کننده در تحصن و اعتراضها تکرار کرد.

خانم صلاح یکی از هزاران زنی است که از دسامبر سال ۲۰۱۸ و در واکنش به گران شدن سوخت و نان در اعتراضها شرکت کرده اند. تخمین زده می شود که دو سوم معترضانی که از میانه زمستان به خیابان آمدند، زن بوده اند. در ویدیوهای بسیاری نیز زنان در حالی که رهبری گروهی را بر عهده دارند، دیده می شوند.

آلاء صلاح به خبرگزاری فرانسه گفته است: "حضور زنان در نقش رهبری یک انقلاب در سودان تازگی ندارد و شما اگر به تاریخ سودان هم نگاه کنید، می بینید که ملکه های بسیاری بر سودان حکومت کرده اند."

زنان در خط مقدم اعتراضات سودان هستند. "هلا الکریم"، فعال سودانی حقوق زنان، معتقد است: "زنان سودانی در حالی که با قوانین محدود کننده ای مواجه هستند که نوع پوشش و اینکه کجا می توانند بروند را به آنها دیکته می کند، اما زندگی شان به صورت بنیادین در دهه های اخیر تغییر کرده است. آنها برای اینکه خودشان هستند، تحت پیگرد قرار می گیرند. از آنها بابت پوشیدن شلوار انتقاد می شود. جان آنها تهدید می شود."

طرح جنجالی در مجلس تگزاس برای اعدام زنانی که سقط جنین کرده اند

نمایندگان مجلس ایالت تگزاس آمریکا در حال بررسی طرحی هستند که به موجب آن زنانی که سقط جنین می کنند، می توانند به اتهام قتل با مجازات اعدام مواجه شوند.



این طرح را گروهی از نمایندگان جمهوریخواه مجلس و در راس آنها "تونی تیندرهولت"، تحت عنوان "لغو سقط جنین در تگزاس" و با هدف "حفاظت از حقوق کودک متولد نشده" ارایه داده اند.

این قانون سقط جنین را در هر شرایطی، حتی در صورت موارد مرتبط با تجاوز، قاچاق انسان و رابطه جنسی با محارم، ممنوع و زن مرتکب سقط جنین و پزشکان مرتبط با این عمل را مجرم قلمداد می کند.

تونی تیندرهولت، نویسنده اصلی طرح، در سال ۲۰۱۷ طرح مشابهی را تهیه کرده بود، اما در به تصویب رساندن آن در کمیسیون مجلس ناکام ماند.

سوزاندن دختر بنگلادشی به دستور مدیر متجاوز مدرسه اسلامی

نصرت جهان ۱۹ ساله که از مدیر مدرسه اسلامی به خاطر مزاحمت جنسی به پلیس شکایت کرده بود، به دستور وی و با همدستی چند همکلاسی اش به آتش کشیده شد. مرگ او در پی سوختگی ۸۰ درصدی، اعتراضاتی سراسری را در بنگلادش به راه انداخت.

نصرت جهان اواخر ماه مارس ۲۰۱۹ از مدیر این مکتب به خاطر مزاحمت‌های جنسی به پلیس شکایت کرد، اما چند روز بعد در شعله انتقام مرد متجاوز سوخت.



او آن روز همراه برادرش به مدرسه رفته بود تا امتحان دهد، اما برادر اجازه ورود به مدرسه را نیافت. وقتی نصرت وارد مدرسه شد، چند نفر که سر و روی خود را پوشانده بودند، او را به پشت بام مدرسه بردند و دست و پایش را با یک شال بزرگ بستند. سپس رویش نفت ریختند و کبریت کشیدند. نقشه این بود که مرگ او را خودکشی جلوه دهند اما شال در اثر آتش سوخت و نصرت جهان که دست و پایش آزاد شده بود، توانست خود را به طبقه

پایین برساند. او که ۸۰ درصد بدنش سوخته بود، ده روز بعد در بیمارستان درگذشت.

۱۷ نفر به اتهام دست داشتن در این قتل دستگیر شده اند که دستکم ۵ نفرشان در همان مدرسه درس می خوانند. یکی از آنها اعتراف کرده که مدیر مدرسه دستور سوزاندن نصرت جهان را داد. پلیس بنگلادش می گوید مدیر مکتب به عاملان این قتل گفته بود کاری کنند نصرت شکایتش را پس بگیرد وگرنه او را بسوزانند.

نصرت جهان قبل از مرگش، به کمک موبایل برادرش در فیلم کوتاهی گفت: "مدیر مرا لمس کرد ... تا آخرین نفس برای رسوا کردن او می جنگم." او اسم چند نفر از کسانی را نیز آورده که شریک قتلش بودند.

سازمانهای حقوق بشری داخلی و بین المللی همواره بنگلادش را به اهمال در مواجهه با خشونت و تجاوز جنسی علیه زنان متهم می کنند. آنها می گویند دولت نسبت به روند رو به رشد تجاوز و آزار جنسی زنان تدابیر قانونی لازم را ندارد.

به عنوان مثال، شکایت نصرت جهان نزد پلیس، موضوع کم اهمیتی تلقی شده بود. روزی که مدیر مدرسه اسلامی برای نصرت جهان در دفترش مزاحمت ایجاد کرد، او به همراه خانواده اش به پلیس محلی رجوع کرد، اما وقتی داشت مواقع را شرح می داد، افسر پلیس شروع به فیلم گرفتن از او کرد.

قانون ممنوعیت سقط جنین در کره جنوبی "مغایر با قانون اساسی" تشخیص داده شد

دادگاه قانون اساسی کره جنوبی روز پنجشنبه ۱۱ آوریل ۲۰۱۹ / ۲۲ فروردین ۱۳۹۸، قانون ممنوعیت سقط جنین در این کشور را "مغایر با قانون اساسی" تشخیص داد.

بنا به اعلام دادگاه قانون اساسی کره جنوبی، قانون ممنوعیت سقط جنین که طی ۶۵ سال گذشته در این کشور اجرا شده است، "بر خلاف قانون اساسی" حقوق زنان را نقض می کند.

انجمنهای مدافع حقوق زنان که از لغو قانون منع سقط جنین حمایت می کردند، از تصمیم دادگاه قانون اساسی استقبال کردند.

طبق قانون فعلی، زنان این کشور به جز مواردی همچون تجاوز و تهدید جان مادر نمی توانند سقط جنین انجام دهند. زنانی که تاکنون برخلاف این قانون دست به سقط جنین می زدند، با خطر محکومیت به یک سال حبس و جریمه نقدی روبرو بودند. پزشکانی نیز که به زنان برای سقط جنین کمک می کردند، ممکن بود به دو سال حبس محکوم شوند.

کره جنوبی یکی از نادر کشورهای پیشرفته جهان محسوب می شد که همچنان قانون ممنوعیت سقط جنین در آن به اجرا در می آمد.

تصمیم روز پنجشنبه دادگاه قانون اساسی کره جنوبی با هفت رای موافق در برابر دو رای مخالف گرفته شد.

به دنبال این تصمیم صدها نفر از زنانی که در انتظار اعلام رای دادگاه قانون اساسی در مقابل ساختمان آن در سئول تجمع کرده بودند، به شادی پرداختند.

"دختر خیابان انقلاب" به یک سال حبس محکوم شد

ویدا موحد، معروف به "دختر خیابان انقلاب"، از سوی شعبه ۱۰۹۱ مجتمع قضایی ارشاد به اتهام "تشویق مردم به فساد و

سال
در
آغاز
زنان



فحشا از طریق کشف حجاب" به یک سال حبس تعزیری محکوم شد.

ویدا موحد بهمن ماه سال ۱۳۹۶ روی سکویی در تقاطع خیابان انقلاب و وصال تهران برای اعتراض به حجاب اجباری روسری خود را از سر برداشت و آن را مانند یک درفش بر سر چوب کرد. این حرکتی بود که به پویش "دختران خیابان انقلاب" معروف شد و به دنبال او دیگری این کار را تکرار کردند.

حرکت او را بعدها زنان دیگری مانند نرگس حسینی، اعظم جنگروی، شاپرک شجریزاده و مریم شریعتمداری ادامه

دادند که همه آنها بازداشت و با محکومیت‌های سنگینی روبرو شدند.

بوکسور زن به دلیل صدور حکم بازداشت به ایران باز نمی‌گردد



نماینده صدف خادم، نخستین بوکسور زن ایرانی که روز ۲۴ فروردین در یک مسابقه رسمی بوکس حضور یافت، می‌گوید که حکم بازداشت این ورزشکار در ایران صادر شده و از این رو برنامه خود برای بازگشت به کشور را لغو کرده است.

"کلارا دالای" روز چهارشنبه ۲۷ فروردین به خبرگزاری رویترز گفت همچنین حکم بازداشت مهیار منشی پور، قهرمان سابق بوکس جهان، نیز که امکان برگزاری این مسابقه در فرانسه را با تلاشهای خود فراهم آورده بود، صادر شده است، در حالی که او نیز قصد داشت همراه صدف خادم همین هفته به ایران باز گردد. منشی پور شهروند فرانسه است.

خانم خادم روز شنبه "آن شووان"، بوکسور فرانسوی، را در یک مسابقه بوکس آماتور شکست داد.

به دنبال این رخداد، فدراسیون بوکس ایران تاکید کرد که زنان ایرانی در مسابقات خارج از کشور باید حجاب اسلامی داشته باشند.

عفو بین الملل: جمهوری اسلامی به آزار معترضان به حجاب اجباری پایان دهد

سازمان عفو بین الملل با صدور یک اطلاعیه از مقامهای جمهوری اسلامی خواست به آزار، دستگیری و زندانی کردن معترضان به حجاب اجباری پایان دهند و زنانی را که به این خاطر محبوس یا محکوم کرده اند، هر چه زودتر آزاد کنند. عفو بین الملل با اشاره به دستگیری و محکومیت یاسمن آریانی، منیره عربشاهی و ویدا موحد، سه تن از کنشگران معترض به حجاب اجباری، اطلاعیه ای صادر کرد و خواهان آزادی زنانی شد که به دلیل مخالفت با حجاب اجباری، یا زندانی هستند یا باید به زودی به زندان بروند.

عفو بین الملل می نویسد سرویس امنیتی و نهادهای اطلاعاتی ایران بسیاری از مدافعان حقوق زنان را به صورت تلفنی تهدید کرده و به آنها اخطار داده اند که در صورت اعتراض به حجاب، دستگیر می شوند. برخی از این فعالان نیز احضار شده و مورد بازپرسی قرار گرفته اند.

"ماگدالنا مغربی"، مدیر بخش خاورمیانه و شمال آفریقا در سازمان عفو بین الملل، می گوید: "رفتار مقامهای جمهوری اسلامی واکنشی است به گسترش مقاومت نزد زنان ایرانی که با حرکتهای مدنی در جهت تغییر قوانین تبعیض آمیز تلاش می کنند."

خانم مغربی یادآوری می کند که جرم انگاری اعتراض به حجاب اجباری به عنوان مظهر تبعیض جنسیتی، کاری بیرحمانه، غیرانسانی و نافی کرامت زنان است: "مقامهای جمهوری اسلامی باید به جای پیگرد و بازداشت فعالانی که اعتراض مدنی کرده اند، آنها را فوراً آزاد کنند."

(منابع: بی سی، یورو نیوز، العربیه، دویچه وله، دمکراسی ناو، رادیو فردا، ایسنا، صدای آمریکا)



رویدادهای هنری ماه (فروردین ۹۸)

فتح الله کیائیهها



وینک او: زنی است تنها در آستانه فصلی سرد

"با خودم فکر می کنم نویسنده ای که هفتاد و سه سال سن در این دنیا زندگی کرده، چرا باید اینقدر بدبخت باشد که حتی نتواند یک خانه دوخوابه بخرد؟ چرا من نباید بتوانم یک خانه دوخوابه بخرم با این که کتابهایم در دنیا به بیست و پنج شش زبان مختلف ترجمه شده؟"

تو خود حدیث مفصل بخوان ازین مجمل گفتار شهرنوش پرسی پور، نویسنده سرشناس و صاحب نام کشور. واقع آن که پرسی پور فهرست پروپیمانی از کتابهای ستایش شده ای در کارنامه کاری خود دارد؛ "زنان بدون مردان" (۱۳۶۸) یکی از سرآمدان این فهرست است؛ اثری که در بسیاری لحظات به سورتالیسم پهلو می زند، اما هنر نویسنده آن که خیال را با واقعیات تاریخی اجتماعی ایران می آمیزد و از این رهگذر روایتی منحصر به فرد و پُرکشش ارایه می دهد: شرحی از مواجهه چند زن با قالبهای تنگ و محدودی که خانواده و جامعه بر آنان تحمیل می کند. او به معنای دقیق کلمات شهروند هزاره سوم

است. به نقش و مسوولیت هر فرد انسانی در ساختن جامعه ای خوب تر باور دارد و بارها - از روزگار اعدام گلسرخ و دانشیان تا همین امروز - برای حفظ استقلال افکار و کلماتش موقعیتهای کاری و مالی بسیار را کنار گذاشته تا در روبرو شدن با خود آزاده و آسوده بماند.

این نویسنده تنها و گرفتار تنگناهای مالی می گوید: "روایهای زیادی می بینم. بلیت لوتو می خرم به امید این که ببرم و بتوانم این آرزو را برآورده کنم. گفتم این رویایم را با شما در میان بگذارم. حدود چهارصد نفر این ویدیوهای مرا اینجا می بینند. یکی از رویاهایی که می بینم این است که اگر هر کدام از این چهارصد نفر هزار دلار به من بدهد، می شود چهارصد هزار دلار و من می توانم این خانه را بخرم. البته پررویی بسیار است که بگویم شما هر کدام هزار دلار به من بدهید، اما رویایش را که می توانم داشته باشم، این رویایی که بتوانم از این گرفتاری وحشتناک، از این شبمنی که به زندگی ام زده رهایی یابم."

و این حاصل یک عمر قلم زدن است ... دستمزد زنی استوار و ادیب در روزگاری که همزبانانش برای دیدن کنسرت خوانندگانی بی هنر و پر افاده سر و دست می شکنند و با گشاده دستی هر قیمتی را می پردازند. دیگر چه می توان گفت یا نوشت از اینگونه هنرمندانی که خود را با بند تنبان هیچ صاحب قدرتی حلق آویز نکردند و به دعوت میهمانی هیچ صاحب قدرتی، لبیک نگفتند.

ادبیات

رونمایی کتاب اندیشه های مارکس در قرن بیست و یکم

"خانه فرهنگ ایران" در سوئد، "کانون اندیشه" کپنهاک در دانمارک و شرکت نشر "کتاب ارزان" در استکهلم به ترتیب در روزهای دوازده، سیزده و بیست هفتم آوریل رونمایی از کتاب "اندیشه های مارکس در قرن بیست و یکم" را با حضور علاقمندان به آثار این فیلسوف بزرگ برگزار کردند. این کتاب حاصل تلاش چندین ساله بهرام رحمانی است. این کتاب تحقیقی و تطبیقی و تحلیلی در هفت فصل و ۳۸۳ صفحه در قطع وزیری توسط نشر "کتاب ارزان" در استکهلم چاپ و منتشر شده است.

"کانون پناهندگان سیاسی ایرانی" مستقر در برلین نیز در تاریخ چهارم ماه مه سال جاری از علاقمندان دعوت کرده است که در مراسم رونمایی از این کتاب که در محل این کانون برگزار می شود شرکت کنند.

توقف فروش کتابهای جوردن پیترسون در نیوزلند



"ویتکولز"، بزرگ ترین گروه کتابفروشی زنجیره ای در نیوزیلند، در اطلاعیه ای از حذف آثار "جوردن پیترسون" از فهرست خود خبر داد. این شرکت می نویسد: "با توجه به شواهد و مدارکی که پیش از حمله تروریستی در "کرایست چرچ"، در جریان آن و پس از آن در حال گردش بوده، تصمیم گرفته ایم کتابهای "جوردن پیترسون" را از قفسه کتابفروشیهای خود خارج کنیم."

در اطلاعیه "ویتکولز" همچنین آمده که به عنوان شرکتی که مسوولیت خود را در برابر جامعه بسیار جدی می گیرد، اشتباه می داند که در این زمان از این نویسنده حمایت کند.

جوردن پیترسون، استاد روانشناسی در دانشگاه تورنتوی کانادا و نویسنده آثار پرفروشی چون "۱۲ قاعده برای زندگی" است.

او یک ماه پیش در سفری به نیوزیلند برای معرفی کتابهایش با یکی از طرفدارانش عکس گرفته که تی شرتی بر تن داشته با این نوشته "من اسلام هراسی مغرور هستم". حال این عکس در جریان مراسم سوگواری برای ۵۰ قربانی حمله های تروریستی ضداسلام به دو مسجد در کرایست چرچ نیوزیلند دست به دست در شبکه های اجتماعی می چرخد و به اشتراک گذاشته می شود.

به نوشته "نیویورک تایمز"، جوردن پیترسون در حال حاضر یکی از پرنفوذترین روشنفکران دنیای غرب است. ویدیوهای او در یوتیوب و نیز نوشته های او مورد علاقه میلیونها نفر است و راستگرایان کشورهای مختلف از جمله آمریکا به آثار او علاقه نشان می دهند.

موسیقی

احضار خواننده زن به جرم آوازخوانی

سهیلا گلستانی در صفحه شخصی اش در دنیای مجازی خبر از احضار مجددش به بازپرسی شعبه ۱۶ دادگاه عمومی اصفهان می دهد. جرم او "ارتکاب فعل حرام آوازخوانی در ملاء عام" است.



خانم گلستانی در صفحه شخصی خود در فضای مجازی در این خصوص گفت که "یکی از دهها بار که احضار شدم به اتهام فعل حرام (آواز خواندن) در ملاء عام... اتهام به من برای خواندن آواز برای مردم ام و این احضار به مربوط به پخش صدای من در فضای مجازی است. در چهار سال گذشته این زندگی من بوده. احضار شدم. رفتم، آدمم و دوباره دوباره ... و عشق به خواندن همیشه بوده."

سهیلا گلستانی، خواننده زن ایرانی، متولد و ساکن اصفهان است. او از سال ۱۳۸۶ در ایران خوانندگی می کند و معلم موسیقی است. خانم گلستانی عضو پیوسته کانون خوانندگان سنتی ایران و دارای مدرک دکترای افتخاری موسیقی از دانشگاه "میکیموتوی" (Mikimotouniversity) ژاپن است.

در طی چهل سال حیات جمهوری اسلامی، هنرمندان زن از خوانندگی محروم شده و تعدادی از خوانندگان مرد نیز به دلیل کار با خوانندگان زن یا مشخص بودن صدای زن در کارهای شان ممنوع از فعالیت شده اند.

جایزه بنیاد آقاخان به شجریان

"بنیاد آقا خان" جایزه "خداوندگاری موسیقی" را به محمدرضا شجریان اهدا کرد. هیات داوران جشنواره جوایز موسیقی "بنیاد آقاخان" در بیانیه ای علت تقدیم این جایزه به او را "نقش آفرینی مستمر در غنی کردن میراث موسیقایی بشر، استادی بی همتا در موسیقی و تاثیرگذاری اجتماعی به عنوان یک موسیقی دان و معلم در ایران و خارج از مرزهای این کشور" عنوان کرده است.

جشنواره جوایز موسیقی بنیاد آقاخان از ۲۹ تا ۳۱ مارس، ۹-۱۱ فروردین در لیسبون، پایتخت پرتغال، برگزار شد هدف از اعطای جوایز موسیقی آقاخان، تقدیر از دستاوردهای هنرمندان در حفظ و احیای میراث موسیقایی جهان اسلام است و سوی "بنیاد آقاخان"، وابسته به رهبر دینی شیعیان اسماعیلی، اعطا می شود. در این جشنواره همچنین داریوش طلایی، نوازنده ایرانی تار و سه تار جایزه ویژه دریافت کرد. شاهو عندلیبی، نوازنده نی، آرش محافظ، نوازنده سنتور، رضا پرویززاده، نوازنده کمانچه و نسیم سیابی در رشته آواز، از دیگر دریافت کنندگان ایرانی جوایز موسیقی بنیاد آقاخان بودند.

نقاشی و عکس

خاموش ماندن، توهینی به حرمت و حیثیت انسانی است

تیترا بالا قسمتی از سخنان "آی وای وای"، هنرمند معترض چینی، است که در جریان گشایش نمایشگاهش در مکزیک بر زبان آورد. او یکی از آخرین آثار خود را به بزرگداشت ۴۳ دانشجویی اختصاص داده که در مکزیک ناپدید شدند. اثر او با



کنار هم چیدن تعداد بیشماری قطعات پلاستیکی (لگو) رنگی آفریده شده که سیمای دانشجویان ناپدید شده را نشان می دهد.

این تابلو در قالب نمایشگاه "بازآفرینی خاطرات" عرضه شده است که روز شنبه (۱۳ آوریل) در موزه دانشگاهی شهر مکزیکو گشایش یافت و با مصاحبه های ویدیویی با بستگان قربانیان و همچنین کارمندان دولت و ماموران پلیس همراهی می شود. آی وای وای با خلق این چیدمان بزرگ قصد دارد از فراموش شدن قربانیان خشونت جلوگیری کند.

هنرمند ۶۱ ساله می گوید: "خاموش ماندن توهینی به حرمت و حیثیت انسانی است و می تواند باعث خشم و خشونت شود."

او افزود: "وقتی می شنویم که کسی مجروح شده، پسر همسایه مان به خانه برنگشته و پس از این همه سال دولت هنوز این قضیه را خاتمه نداده، به طبع ناراحت می شویم و از خود می پرسیم که ما در چه دنیایی زندگی می کنیم؟" آی وای وای در میهن خود چین بارها به خاطر انتقاد از نابسامانیها به زندان افتاد. این هنرمند چینی تا سال ۲۰۱۵ ممنوع از خروج بود و پس از ترک چین، آلمان را به عنوان تبعیدگاه خود انتخاب کرد.

تصویر کودک گریان در مرز آمریکا و مکزیک، بهترین عکس سال

روز پنجشنبه بیست و دوم فروردین عکس کودکی گریان در نوار مرزی آمریکا و مکزیک برنده جایزه مسابقه جهانی عکس خبری، "ورلد پرس فوتو"، شد.

به نوشته وبسایت "ورلد پرس فوتو"، این عکس کودک گریان هندوراسی را نشان می دهد که کنار او مامور مرزبانی آمریکا در ایالت تگزاس در حال بازرسی بدنی مادرش است. این عکس را "جان مور"، عکاس "مووسسه عکاسی گتی"، دو روز



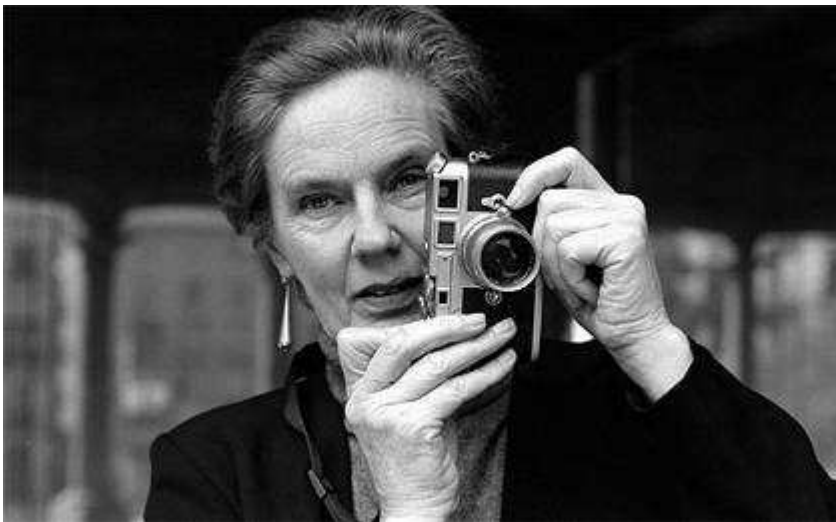
پس از بازداشت این کودک در ۱۲ ژوئن سال گذشته گرفته است. نام این دخترچه "یانلا سنچز" و مادرش "ساندرا سنچز" اعلام شده.

این عکس تأثیری مهم در دامن زدن به بحثها درباره سیاستهای مهاجر ستیز دولت آمریکا و به ویژه جدا کردن کودکان از والدین آنها در نوار مرزی با مکزیک داشت. به گزارش اسوشیتدپرس، خشم افکار عمومی از

سیاست جدا کردن فرزندان مهاجران از والدین شان به ویژه پس از چاپ این عکس بر روی جلد مجله "تایم" بالا گرفت. جان مور در بیانیه ای که توسط برگزارکنندگان مسابقه عکس خبری منتشر شد گفته است: "به نظرم این عکس بسیاری را همچون من به شدت تحت تاثیر قرار داد، چون جلوه ای انسانی از یک ماجرای بزرگ تر است." این عکس افزون بر دریافت جایزه "بهترین عکس خبری سال"، در رشته "تک عکس خبری" نیز جایزه اول را دریافت کرد. نزدیک به پنج هزار عکاس با بیش از ۷۸ هزار قطعه عکس در رقابتهای امسال شرکت داشتند.

عکاسی لزوماً یک دروغ نیست اما حقیقت هم نیست

این جمله ای از "مارتین فرانک"، عکاس زن بلژیکی، است که در بدو ورود به نمایشگاه مرور آثارش "رتروسپکتیو" به چشم می خورد.



نمایشگاه عکس مارتین فرانک، این روزها در موزه "الیزه" در حاشیه دریاچه "لمان" در شهر لوزان سوئیس در حال برگزاری است. در این نمایشگاه ۱۴۰ قطعه عکس سیاه و سفید از این هنرمند فقید به نمایش درآمده که نمایش عمومی برخی از آنها، برای اولین بار است. همچنین بخش عمده آثار این نمایشگاه، عکسهایی است که مارتین فرانک خود در زمان حیاتش آنها را انتخاب کرده بود.

مارتین می گوید: "از روز تولد تا لحظه مرگ، زندگی یک انقلاب بی وقفه است. هیچ چیز همیشگی نیست و سخت ترین کار، پذیرفتن تغییر خود است، تغییر اطراف خود، تغییر دیگران، و زیباترین واقعه، حرکت از خود برای شناخت خویش و عبور از خویشتن است."

در ۱۹۶۳، وقتی بیست و پنج ساله بود، کار عکاسی را در سفری به شرق همراه با "آریان منوشکین" آغاز کرد: "عکاسی به طور تصادفی در زندگی من پیدا شد. من ویزای چین گرفتم و پسرعمویم دوربین "لایکا" (Leica) خود را به من قرض داد و گفت که فرصت خوبی برای عکاسی است و باید برایش از چین عکس بیاورم. وقتی سفر طولانی به شرق را آغاز کردم، تصور نمی کردم که روزی عکاس شوم. من فقط به دنبال کشف جهان و کشف خودم بودم." این عکاس در بیست و دوم نوامبر سال ۱۰۱۲ در پاریس درگذشت.

آنجلا مرکل آثار امیل نولده را از اطاق کارش برداشت

تا همین اواخر دو تابلو از کارهای "امیل نولده"، نقاش آلمانی، دفتر صدراعظم آلمان، آنجلا مرکل، را مزین کرده بود.



اکنون به خواست وی این دو تابلوی نقاشی، "باغ گل" (۱۹۱۵) و دیگری "موج شکنها" (۱۹۳۶) از دیوار برداشته شده است.

"امیل نولده" (۱۹۵۶ - ۱۸۶۷)، نقاشی نوگرا بود که گرایشهای ناسیونال سوسیالیستی داشت، هر چند که رژیم نازی به کارهای او انگ "هنر منحط"

زده بود. دفتر مرکل تأیید کرده است که این دو تابلو برای همیشه به "بنیاد فرهنگی پروس" که صاحب اصلی آنهاست، بازگردانده شده است. خانم مرکل تصمیم گرفته است که به جای آنها دو تابلوی دیگر به روی دیوار نصب شود. امیل نولده بی گمان نقاشی بزرگ بود و از پیشاهنگان نقاشی اکسپرسیونیسم در آلمان شناخته می شود، همزمان او یک نژادپرست بود و از جوانی به ناسیونالیسم افراطی گرایش داشت.

پیش از این برخی از منتقدان حضور کارهای امیل نولده در دفتر کار صدراعظم آلمان را ناشایست دانسته بودند.

سینما

متولد اوین به فستیوال بین المللی فیلم زنان دورتموند/کلن راه یافت

مستند "متولد اوین"، ساخته مریم زارع، بازیگر ایرانی تبار آلمانی، به معتبرترین جشنواره جهانی فیلم زنان در اروپا، فستیوال بین المللی فیلم زنان سینماگر دورتموند/کلن که امسال سی و ششمین دوره خود را برگزار می کند، راه یافته است.



"متولد اوین"، نخستین نمایش خود را در شصت و نهمین دوره فستیوال بین المللی برلین (برلیناله) ۲۰۱۹ تجربه کرد و جایزه ویژه بخش "چشم اندازهای فیلم آلمان" را نیز از آن خود ساخت.

مریم زارع در فیلم "متولد اوین" می کوشد به چند و چون تولد خود در ۳۶ سال پیش در زندان اوین تهران پی ببرد. این مستند همزمان کاوشی است کنجکاوی برانگیز در جهان تاریخ پیش از تولد سینماگر در زندان اوین در سالهای دهه

شصت. در این سالها مادر مریم، نرگس که باردار بوده، به اتهام فعالیت با گروههای مخالف حکومت نوپای جمهوری اسلامی دستگیر می شود و پس از چند ماه اولین دختر خود را در زندان به دنیا می آورد. این دختر که در دو سالگی به آلمان مهاجرت کرده و از رویارویی با واقعیتها، هرچند آزاردهنده و دردناک نمی هراسد، در همه صحنه های فیلم یا حضور دارد یا خارج از صحنه، رخداده ها را با لحنی طنزآلود شرح می دهد و تاویل می کند.

مریم زارع که ابتدا در ۱۲ سالگی و به طور تصادفی از تولد خود در زندان با خبر شده، تا پیش از ساختن فیلم از طرح این موضوع در خانواده واهمه داشته است. به گفته کارگردان "فقط ترس از پرسیدن نبود، این هم بود که وقتی آدم به واقعیت هولناک آنچه بر سر پدر و مادرش آمده، پی می برد، آیا بعدا می تواند با این آگاهی زندگی کند".

(منابع: جنگ خبر، رادیو فردا، دویچه وله، جام جم آنلاین، هران، بی بی سی).

در سایه خنجر

م. وحیدی (م. صبح)



افقهای سربی
 با جس کبوتران
 از تندبادها می گذرند
 هنوز هزاره های شبانه
 فرش پایمان است و
 سربازان
 در وعده گاههای تشییع
 فاصله مردگان را
 پُر می کنند

سهم من
 روزهای رفته ای است
 با دشنه ای برگلوگاه شان
 میان سالهایی خمیده
 با طعم رطوبت و موربانه
 اینگونه ابلیس
 در احتضار خویش
 اسطوره می سازد
 مسافری هستم
 در لایتناهی زمین
 میان جلگه زار انبوه ترس
 با تصویری از درختان باستانی
 فردا
 خویشاوند من است
 تفسیر تندبادی
 که لحظه های انتظار را
 به انتها می برد

کانال تلگرام نبرد خلق

@nabard_khalgh

https://telegram.me/nabard_khalgh

سیل و ویرانی، حاصل چهل سال چپاول و جنایت

زینت میرهاشمی

فراسوی خبر ... پنجشنبه ۸ فروردین

تسلیت به مردمی که چیزی جز نکبت و رنج از حاکمان عایدشان نشده است. دزدی دیگر بر انبوه دردهای مردم که درمان آن با این رژیم امکان ندارد. در حکومتی که موشکهای بالستیک، مسلح کردن حزب الله لبنان و بشار اسد بر امنیت مردم و سفره های خالی آنها ارزش بیشتری دارد، درد مشترک پایان نخواهد یافت.



پیام به اصطلاح دردمندانه خامنه ای و حرفهای چندش آور حسن روحانی در روز چهارشنبه ۷ فروردین، امنیتی کردن امداد رسانی مردمی و خبررسانی در فضای مجازی همراه با تهدید و آماده باش پلیس و پاسداران، تنفر مردم نسبت به حکومت را صد چندان کرده است.

روضه خوانیهای دغلكارانه بر ویرانه های به جا مانده از سیل، نه تنها مرهمی بر زخمهای مردم غم زده نیست، بلکه نمک بر آن است.

در حرفهای پایوران رژیم این نکته پنهان می شود که خود آنان نقش اول را در تخریب محیط زیست و نابودی طبیعت داشته اند. اما مردم

خوب می دانند که چه کسانی مسئول فاجعه ویران کننده سیل هستند. مردم به درستی رژیم ولایت فقیه با تمامی ارگانها و نهادهایش را بر صندلی متهمان می نشانند و نه «نیروهای الهی» که حسن روحانی پای آنها را به میان کشیده و این فاجعه را رحمت الهی می داند.

وقتی فعالان محیط زیست را زندانی کردند و برای آنها پرونده های امنیتی قطور درست کردند، می خواستند خرابکاریهایی را لاپوشانی کنند که سیل بنیان کن اخیر یکی از عوارض آن است.

ساخت و ساز غیر علمی، فروش آب و خاک، رانت خواری و باندهای مافیایی در تاراج درخت و خاک و ... قبل از سیل اخیر به سطح آمده بود و روحانی مذبوحانه تلاش می کند که از سیل در ایتالیا مثال بزند تا چنگالهای مخرب خامنه ای، سپاه و باندهای شریک در قدرت را پنهان کند. وی در ترس از عواقب خشم مردمی، لقمه توطئه را در دهان چرخانده و ضمن جلوه دادن وضعیت خوب، سیل را کار دشمن دانسته که می خواهند از این موضوع «عامل اختلاف» درست کنند.

پاسدار شمخانی دبیر شورای عالی امنیت رژیم روز چهارشنبه ۷ فروردین به ساخت و ساز در مسیر سیلاب در دروازه قرآن شیراز توسط بخش خصوصی و بخشهای خدماتی و دولتی اقرار کرد. وی از پادگان سازی یا جاده سازی توسط یک ارگان نظامی [بخوانید سپاه] در این محل اظهار بی اطلاعی کرد ولی آن را نفی نکرد.

اعتراف امام جمعه تبهکار شیراز و نماینده ولی فقیه به خشم مردم نسبت به مسئولان و عصبانی شدن وی از فحشهای داده شده به وی و همقطاران، نشاندهنده خشم مردمی است که می توانند همچون سیل بنیاد نظام را ویران کنند.

سیل و سپاه همدست در ویرانی

منصور امان

فراسوی خبر... دوشنبه ۱۹ فروردین

روستاییان و شهرنشینان مناطق سیل زده افزون بر دست و پنجه نرم کردن با این بلای طبیعی، به شر حکومتی سپاه پاسداران نیز گرفتار آمده اند. هجوم گسترده این نیروی نظامی و امنیتی به سرزمینهای ویران شمال و جنوب، آثار وخیم سیل بر زندگی و معیشت مردم را تشدید و ماندگار می کند.



این اتفاقی است که نمونه های آن در زلزله های بم، رودبار و منجیل، ورزقان، کرمانشاه و سیل‌های سیستان و بلوچستان و شمال (سال ۹۷) مشاهده شده است. حضور سپاه پاسداران در این مناطق آسیب دیده دو هدف را تامین کرده که هیچیک مستقیم یا غیرمستقیم ارتباطی با "گمک رسانی" و کاهش رنج و درد مردم مُصیبت زده نداشته است.

وظیفه مُقدم سپاه پاسداران از یکطرف رویارویی با اعتراضها و خشم پیش بینی پذیر

خسارت دیدگان نسبت به بی کفایتی و بی اعتنایی حاکمیت و از طرف دیگر، جلوگیری از شکل گرفتن همبستگی اجتماعی گرد این پیشامدها بوده است.

نه فقط به طور جانبی، رسالت دیگر چکمه پوشان حکومتی چپاول گُمکهای ارسالی خارجی و داخلی بوده است. کوس رُسوایی سپاه پاسداران در این زمینه به ویژه در زلزله بم و سیل رودبار و منجیل از سر هر بام سالم یا ویران نواخته شد. ارقام ارسال شده به خسارت دیدگان سر از بازار درآورد و گُمکهای نقدی در میانه راه گم شد و هرگز به مقصد نرسید. با نگاه به این تجربه تلخ بود که در جریان زلزله اُستان کرمانشاه، مردم ایران کارزار مُستقل و شکوهمندی را برای گُمک رسانی به راه انداختند و به گویاترین زبان مُمكن بی اعتمادی خود به حُکومت را ابراز داشتند. با این حال سپاه پاسداران و اوباش حُکومتی از ارایه شواهد تازه برای داوری نابود کننده جامعه دریغ نورزیدند. آنها گُمکهای مردمی را به غارت بردند یا به نام خود مُصادره کردند و از مشقت و گرفتاری مُصیبت زدگان کیسه دوختند. سپاه پاسداران از زلزله کرمانشاه بیش از ۳۰۰ میلیارد تومان سود برده است؛ پولی که زیر نام "اعتبار دولت برای گُمک به زلزله زدگان" به جیب آن ریخته شد. نزدیک به دوسال پس از زلزله، ماندگاری شرایط وخیم زندگی در این منطقه، محل خرج مبلغ یاد شده را بی نیاز از آدرس دادن می کند.

در سیل خوزستان اینک به دو دستور کار ثابت این باند نظامی و امنیتی، وظیفه دیگری نیز افزوده شده است. سپاه پاسداران به سختی در تلاش است تا سیل را از منابع ثروت حاکمیت، چاه های نفت و تاسیسات مُرتبط دور کند، حتی اگر این کار به قیمت نابودی تنها منابع درآمد مردم خوزستان تمام شود. آنها برای مُنحرف کردن مسیر سیل، سدها و سیل بندهای حفاظت کننده روستاها و شهرها را مُنفجر می کنند یا مانع ساخت خاکریز توسط مردم می شوند. پاسداران ثروت و قُدرت به روی مردم سیل زده شلیک می کنند و علیه کشاورزان سوسنگرد و دشت آزادگان، جلیزی و شاکریه لشکر می کشند.

آنجا که سیل نتوانسته راهی برای ورود پیدا کند، سپاه پاسداران راهگشایی می کند و آنچه که تاکنون ویران نشده را چکمه پوشان ولایت فقیه با تاراج گُمکهای جنسی و نقدی و راه اندازی دُکانهای تازه برای سرکیسه کردن خزانه عُمومی، به انهدام می کشانند.

بررسی حلقه های ادبی آیت الله خامنه ای

سعید حسن زاده

آیت الله خامنه ای علاقه خاصی به شعر دارد. این بر هیچ کس پوشیده نیست و همه کسانی که او را می شناسند به فراخور حال شان به این موضوع اشاره داشته اند. از احمد شاملو که او را ابلها مردا خطاب کرد تا شاعران نزدیک به او که جز به زبان تملق از او یاد نمی کنند.

پس از رسیدن به مقام رهبری و تثبیت نسبی این جایگاه در اوایل دهه هفتاد، که مصادف بود با آغاز حذف افراد نام آشنای حوزه ادبیات در طرح موسوم به قتل‌های زنجیره ای، آیت الله خامنه ای به تشکیل ارگانهای فرهنگی و زیربنایی اهتمام ورزید و سعی کرد تا نظارتی با کمترین واسطه بر این تشکیلات داشته باشد. تقویت حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی و افزایش بودجه این نهاد جز اولین اقدامات او محسوب می شود. در همان سالها مدارس به عنوان یکی از مهمترین حوزه های عمل تشخیص داده شد و به سرعت سازماندهی خوبی برای در دست گرفتن این بخش از جامعه هنری انجام شد. برگزاری منظم مسابقات شعر و کشف استعدادها از اولین اقدامات اجرایی این تشکیلات بود. سپس کارگاههای شعری در محل آموزش و پرورش مناطق به منظور یکسان سازی ایدئولوژیک در دستور کار قرار گرفت و بدین ترتیب نسلی از شاعران جوان تربیت یافته تبلیغاتی نظام متولد شد. در کنار این اقدامات شعرخوانی در حضور رهبر به عنوان یک موفقیت برای این نسل تعریف شد. علی معلم، حسین آهی، قیصر امین پور، یوسفعلی میرشکاک و حمید سبزواری از نزدیکان محفلی خامنه ای و جز ثابت شعرخوانیهای آن سالها بودند. جلسات معمولاً با نفراتی حدود چهار نفر تشکیل می شد. رفته رفته این تعداد افزایش پیدا کرد و به حدود ۱۵۰ نفر رسید. ترکیب هیات رییسه برگزاری نیز دستخوش تغییراتی شد و کسانی که مغضوب می شدند به حاشیه می رفتند. اما در سالهای اخیر علیرضا قزوه همواره جز نفرات اصلی برگزار کننده گان این جلسات است. اضافه شدن اشخاصی مثل امیری اسفندقه و ناصر فیض و فاضل نظری نیز در این سالها به بار تبلیغاتی در جهت ایجاد محبوبیت نیز حائز اهمیت است. امیری اسفندقه که خلیپها او را شاعری متجدد و روشنفکر می دانند، ریاست مستقیم شهرستان ادب را بر عهده دارد و هر کسی که در حوزه شعر فعالیت می کند نام این انجمن را شنیده است. محلی که در آن جوانان جویای نام به آن ورود پیدا می کنند و از طرق مختلف مورد هجوم دستگاه ایدئولوژیک جمهوری اسلامی قرار می گیرند. بیشتر شعرایی که در بیت رهبری شعر می خوانند در این محفل برگزیده می شوند. محسن مومنی شریف رئیس حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی در مصاحبه با ایسنا روند انتخاب شعرا جهت حضور در جلسات بیت رهبری را بدینگونه تشریح کرد. برای انتخاب شاعران فاکتورهای بسیاری در نظر گرفته می شود. یکی از خط قرمزها برای انتخاب شاعران، شعریت اشعارشان است که حضرت آقا در جلسات بر آن تاکید دارند. همچنین اشعاری که در مدح ایشان باشند برای قرائت در جلسه انتخاب نمی شوند.

او ادامه داد: ۳ هزار شاعر هر سال از طرق مختلف مانند سایتها، وبلاگها، خبرگزاریها، کتابها و جلسات ادبی شناسایی می شوند و با در نظر گرفتن معیارهای مختلف ۱۵۰ نفر از این شاعران برای دیدار با رهبر انقلاب اسلامی انتخاب می شوند و تنها تعدادی از دعوت شدگان به شعرخوانی در حضور آیت الله خامنه ای می پردازند.

این نقل قول به خوبی مؤید آن است که چه دستگاه عریض و طویلی باید ایجاد شود و چه هزینه های هنگفتی صورت پذیرد تا تنها چند نفر در یک جلسه شعر بخوانند و به اصطلاح آقا خوشش بیاید.

در حوزه نشر نیز فیلترهای بسیار زیادی به عنوان موانعی غیر قابل عبور بر سر راه شاعران قرار داده شده است. دستگاه سانسور وزارت ارشاد شامل شاعرانی است که آیت الله خامنه ای آنها را تایید می کند، یا مستقیماً یا از طریق افرادی چون علیرضا قزوه و یا یوسفعلی میرشکاک. در سالهای اخیر نامهایی آشنا چون محمدعلی بهمنی نیز در این دستگاه سانسور عضویت داشتند. اگرچه ظاهراً این افراد ناشناس هستند اما کم و بیش و در محافل ادبی زمزمه هایی درباره اسامی این افراد به گوش می رسد. سعید بیابانکی یکی از شعرایی است که این سالها وظیفه سانسور و به اصطلاح ممیزی اشعار را بر عهده دارد. او از جمله شعرایی است که به گفته خودش خوانشی انتقادی به اوضاع ادبیات ایران دارد و سعی می کند با

پرداختن به موضوعات اجتماعی شیوه ای جدید در شعر موزون ایرانی ایجاد کند. اما عضویت او در شورای ممیزی وزارت فرهنگ و ارشاد و جدال عریان او با آزادی بیان، نگاه واقعی او به عرصه هنر را نمایان می کند.

بررسی رویکرد از پیش تعیین شده و مدون دستگاه عریض و طویل تبلیغاتی جمهوری اسلامی قطعاً در یک یا چند گزارش نمی گنجد اما آن چیزی که به روشنی مشهود است جدیت نظام برای در دست گرفتن این حوزه و به طور اخص شعر و موسیقی است. چرا که یکی از مهمترین اجزا این دستگاه که طیف وسیعی از جامعه هنوز سنتی ما را در بر می گیرد همین حوزه است. مثال گل درشتی که جامعه سنتی و رمانتیک ما علیرغم دانستن عقبه و حال او به آن گرایش دارد فاضل نظری است. بررسی اشعار و رویکردهای این شاعر حکومتی در این مقال نمی گنجد. نگارنده این گزارش سعی دارد تا در آینده به بررسی ابعاد حرکتی و ایدئولوژیک اشخاصی از این دست در جهت قوام ساختار ادبی در خدمت نظام بپردازد.



جنبش رنگین کمان بیشماران (فروردین ۹۸)

گردآوری و تنظیم: زینت میرهاشمی

هرساله در ماه فروردین به مناسبت تعطیلات عید نوروز، حرکت‌های اعتراضی کمتر از ماه‌های دیگر است. سیل مهیب و تاسف آوری که از روز ۲۶ اسفند سال گذشته آغاز شد و هنوز ادامه دارد، نیروهای کار را درگیر مهار سیل و همیاری با سیلزدگان کرد و این موضوع نیز در تقلیل حرکت‌های اعتراضی موثر بود. با وجود این در فروردین ماه ۵۵ حرکت اعتراضی از جانب نیروهای کار صورت گرفت که گزارش آن را در زیر می خوانید



*روز یکشنبه ۴ فروردین، برای یک هفته متوالی کارگران خدماتی شهرداری کوت عبدالله در اعتراض به عدم پرداخت مطالبات شان در اعتصاب بسر می برند و از جمع آوری زباله ها خود داری می کنند. به گزارش ایرنا، یکی از اهالی کوت

عبدالله گفت: حدود یک هفته است که هیچ پاکبان و کارگر شهرداری برای نظافت به خیابانهای شهر نیامده است و وضعیت بهداشتی این منطقه مطلوب نیست.

نیروهای سرکوبگر یکی از کارگران را دستگیر و با فشار دیگران را مجبور به کار کردند.

*روز چهارشنبه ۷ فروردین، کشاورزان میناب در اعتراض به قیمت کم و ممنوعیت صادرات گوجه فرنگی مقابل جهاد کشاورزی این شهرستان تجمع کردند. به گزارش خبرگزاری صدا و سیمای رژیم، کشاورزان مینابی سپس مقابل فرمانداری نیز تجمع کردند.

*صبح روز آدینه ۹ فروردین، گروهی از شهروندان سیل زده بخشهای جنوبی گمیشان در استان گلستان مقابل فرمانداری تجمع کردند. به گزارش رادیو زمانه، آنها خواهان دریافت غذا و وسایل لازم برای مهار سیل بودند. راههای ارتباطی گمیشان در استان گلستان با حدود ۲۰ هزار نفر جمعیت در گمیش تپه و ۸۰ هزار نفر جمعیت با احتساب حومه به دلیل انفجارهای غیرکارشناسی سپاه پاسداران قطع شده و وضعیت این شهرستان بحرانی است.

*در اولین ساعات روز سه شنبه ۱۳ فروردین، صدای تیراندازی در اطراف روستای جلیزی (حومه سوسنگرد) شنیده شد.



اهالی روستای جلیزی دشت آزادگان در برابر هدایت سیلاب به روستا و زمینهای کشاورزی شان مقاومت کردند که با دخالت سرکوبگرانه سپاه پاسداران مواجه شد.

اهالی این روستا با توجه به تجربه سیل ۱۳۹۵ و عدم پرداخت خسارات، علی‌رغم وعده و وعیدهای مسئولان طراز اول استان، رئیس‌جمهور و معاون اولش در سفر به خوزستان مبنی بر پرداخت خسارات سیل، با هدایت سیلاب به روستا و زمینهای

کشاورزی شان مخالفت کردند و دست به مقاومت زدند. در نهایت سپاه پاسداران سیل بند شاکریه را در ساعت ۲ و ۳۰ دقیقه بامداد روز چهارشنبه منفجر و سیلاب را روانه روستا و زمینهای کشاورزی جلیزی کرد. در اثر تیراندازی سپاه به سوی مردم تعدادی زخمی شدند.

به گزارش هرانا، روز پنجشنبه ۱۵ فروردین، یک شهروند اهل روستای جلیزی دشت آزادگان به نام عبود جلیزی، که در پی تیراندازی نیروهای سپاه پاسداران به سمت اهالی این روستا زخمی شده بود در بیمارستان فوت کرد. عبود جلیزی پدر شش فرزند بود و تنها منبع درآمد این خانواده زمین کشاورزی آنها بود.

*روز سه شنبه ۱۳ فروردین، صیادان اروندکنار در اعتراض به ممنوعیت صید دست به تجمع مقابل بخشرداری زدند. به گزارش ایرنا، صیادان معترض گفتند: در یک هفته گذشته به دلیل طوفانی بودن دریا نتوانستند برای صید ماهی به دریا بروند و اینک با وجود مساعد شدن شرایط دریا همچنان اجازه رفتن به دریا به آنها داده نمی‌شود. صیادان معترض به دنبال حضور فرماندار آبادان در تجمع شان و وعده رسیدگی فوری مشکل شان به اجتماع شان خاتمه دادند.

*روز سه شنبه ۱۳ فروردین، سیل زدگان شهرستان شوش فریاد دادخواهی شان بلند شده و میگویند، ارگانهای حکومتی هیچ کمکی به ما نکردند، حتی آب و غذا برای خوردن نداریم..مقامات خائن اهواز می گویند شما جزء شوش هستید و مسؤولان شوش می گویند شما جزء اهواز هستید! مگر ما از افریقا آمدیم
خطاب مردم سیل زدگان به پاسدار محسن رضایی
همه تون قاچاقچی هستین. برای چی اومدی اینجا... برو... حیوان...اومدی اینجا عکس بگیری.....بی شرف برو...میخوای سلفی بگیری...؟! عکس بگیری...?!

*بامداد روز چهارشنبه ۱۴ فروردین، نیروهای سپاه جهت باز کردن سیل بندها با مردم روستاهای صگور، جلیزی و شاکریه مسیر الله اکبر دشت آزادگان با اسلحه درگیر شده و یک نفر از شهروندان کشته و ۴ نفر را مجروح کردند.

*بامداد روز شنبه ۱۷ فروردین، جمعی از کارگران شرکت خانه سازی ایرداک در اعتراض به اخراج از کار، مقابل ساختمان فرمانداری تبریز تجمع کردند. به گزارش تبریز بیدار، علت اصلی این تجمع، اعتراض به عدم پرداخت مطالبات نبود، چون

این شرکت متعلق به بخش خصوصی است و مالک شخصی دارد و مالک شرکت تصمیم به تعدیل نیرو گرفته است و کارگران نیز به همین دلیل تجمع کردند.

*بر اساس ویدئوهای منتشر شده در شبکه های اجتماعی، بعد از ظهر روز چهارشنبه ۱۴ فروردین، جوانان منطقه نیزارهای نیشکر امیر کبیر از توابع شهرستان خرمشهر، واقع در ۴۵ کیلومتری جنوب اهواز، در اعتراض به شکسته شدن سیل بندهای منطقه و وارد شدن سیلاب به مزارع شان به سمت خودروی فرمانده قرار گاه کربلا در جنوب غرب با پرتاب سنگ و چوب یورش بردند.

*روز شنبه ۱۷ فروردین، کارگران پروژه قطارشهری اهواز (شرکت کیسون) مقابل ورودی کارگاه تجمع کردند. به گزارش ایلنا، کارگران پیمانکاری «پروژه قطار شهری اهواز گفتند: ۵ نفر از همکارانمان با ۶ تا ۷ سال سابقه کار به بهانه اتمام قرارداد کار در روزهای پایانی اسفند ماه سال گذشته، بیکار شده و از آنها خواسته شده که از سال جدید در کارگاه حاضر نشوند اما واقعیت این است که این تعدیل به پیگیری مطالبات صنفی کارگران این پروژه در سال گذشته مربوط می شود. همچنین یکی از کارگران گفت که کارگران عیدی سال گذشته خود را هنوز بعد از گذشت ۱۷ روز از سال جدید دریافت نکرده اند.

روز یکشنبه ۱۸ فروردین، کارگران پیمانکاری پروژه قطار شهری اهواز در اعتراض به عدم دریافت معوقات مزدی، برای دومین روز پیاپی تجمع کردند.

*شرکت خانه سازی ایرداک تحت پوشش بانک ملت در تولید قطعات پیش ساخته بتنی به صورت مجتمع آپارتمانی، ویلایی، سالن های صنعتی، ورزشی و مدارس با سازه بتنی پیش ساخته در ابعاد مختلف و دیوارهای پیش ساخته، جهت حصار کشی باکس های بتنی، تیرپل، نیوجرسی، دال و تیر بتنی، تراورس، پایه بتن های علائم راهنمایی و رانندگی و کلیه قطعات بتنی سفارشی فعالیت دارد.

به گزارش ایلنا، تجمع کارگران «خانه سازی ایرداک» در روز یکشنبه ۱۸ فروردین برای دومین روز متوالی مقابل فرمانداری تبریز ادامه داشت.

*روز دوشنبه ۱۹ فروردین، کارگران بازنشسته نیشکر هفت تپه به دلیل عدم دریافت سنوات سالهای ۹۵ و ۹۶ در محوطه کارخانه دست به تجمع زدند. به گزارش کانال تلگرام سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه، بازنشستگان معترض از بارگیری شکر ممانعت به عمل آوردند.

*به گزارش هرانا، روز آدینه ۲۳ فروردین، شماری از مردم اهواز در کوی علوی این شهر در اعتراض به ضعف و عدم رسیدگی به وضعیت مناطق سیل زده این استان دست به تجمع اعتراضی زدند.

فیلمهای منتشر شده در شبکه های اجتماعی نشان می دهد که مردم اهواز پاسدار نقدی که برای سلفی گرفتن به اهواز رفته بود را با شعارهای خود مجبور به فرار کردند. مردم در عین دو (سیدکریم) در غرب شهر اهواز، در ملاشیه در جنوب اهواز، در کوی الدایره (شلنگ آباد)، کوی علوی (حی الثوره) و ... انزجار عمیق خود را از حکومت ضد مردمی با شعارهای کوبنده اعلام کردند.

*روز شنبه ۲۴ فروردین، رانندگان تاکسیهای برون شهری یاسوج اعتصاب شان را آغاز کردند که باعث سرگردانی و ازدحام مسافران در ترمینال شد. رانندگان پس از چند ساعت مقابل استانداری تجمع کردند. به گزارش ایسنا، این رانندگان به

وضعیت بی رویه مسافربرهای شخصی و شرایط نابسامان ترمینال منجمله نداشتن استراحتگاه و انفعال مسئولان مربوطه در همین رابطه از جمله راهداری و حمل و نقل جاده ای، شهرداری و راهنمایی و رانندگی اعتراض داشتند.

*روز شنبه ۲۴ فروردین، جمعی از شهروندان روستاهای پایین دست سد چندیر جرگلان در اعتراض به رها شدن آب سد و خراب شدن پلهای موقت عبور و مرور، مقابل این سد تجمع کردند. به گزارش عصر اترک، یکی از تجمع کنندگان گفت: مردم از مسئولان سد چندیر به دلیل رهاسازی بیش از حد آب که پلهای موقت ساخته شده را خراب می کند به تنگ آمده و مقابل سد تجمع کردند.

*روز شنبه ۲۴ فروردین، برای چندمین بار کارگران کارخانه کاشی کوثر ابرکوه، نسبت به وضعیت بلا تکلیفی خود جلو این کارخانه تجمع کردند. به گزارش یزدسا، یکی از کارگران کارخانه کوثر درباره دلایل تجمعات شان گفت: یکی از دلایل این تجمع پرداخت نشدن حقوق چندماهه و اخراج یک سوم کارگران است. واحد تولیدی کاشی کوثر ابرکوه که روزی با نام بزرگ ترین کارخانه کاشی خاورمیانه سهام آن را به فروش رساندند، در کُما به سر می برد و احتمالاً ضریب هوشی آن به مرگ نزدیک تر است تا به زندگی مجدد.

*روز شنبه ۲۴ فروردین، کامیونداران شهرستان دماوند به دنبال کم شدن میزان سهمیه سوخت گازوئیل دست از کار کشیدند و با به صف کردن کامیونهای شان در بلوار ۶۰ متری بعثت گیلاوند این شهرستان اعتراض شان را به نمایش گذاشتند. به گزارش ایرنا، در پی تجمع اعتراضی کامیونداران دماوند، جلسه رسیدگی به مشکلات فعالان ناوگان سنگین درون شهری مبنی بر تخصیص سهمیه سوخت لازم با حضور سه نفر از نمایندگان کامیونداران، برخی از شهرداران و نماینده شهرداریها و شرکت پخش فرآورده های نفتی در فرمانداری شهرستان تشکیل و موضوعاتی از قبیل کاهش سهمیه سوخت در ماههای اخیر، لزوم افزایش این سهمیه یا تخصیص سوخت آزاد مطرح شد.

*روز یکشنبه ۲۵ فروردین، جوانان و مهندسان دوره دیده وزارت نفت، از شهرهای هویزه و دشت آزادگان در اعتراض به بلا تکلیفی استخدامی مقابل شرکت مهندسی توسعه نفت هویزه تجمع کردند. به گزارش ایرنا، تجمع کنندگان با مسدود کردن راههای ورود و خروج فرمانداری از تردد مسئولان جلوگیری کردند. یکی از معترضان گفت: در نزدیکی زمینها و شهرهای ما شرکت نفت واقع شده است که نیروهای غیر بومی در آن به کار گرفته شده اند در حالی که جوانان ما بیکارند. نماینده و مسئولان این شهرستان تنها به ما وعده دروغ داده اند.

*به گزارش ایلنا، روز یکشنبه ۲۵ فروردین، تعدادی از عوامل سریال «افسانه هزار پایان» به تهیه کنندگی و کارگردانی شهاب عباسی، در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدهای خود مقابل مسجد بلال سازمان صدا و سیما تجمع کردند.

*بامداد روز دوشنبه ۲۶ فروردین، کارگران حفاظت جنگل شرکت نکاچوب (از جمله شرکتهای بهره بردار جنگل های مازندران) در اعتراض به عدم تمدید قراردادشان از سوی سازمان جنگلها، مراتع و آبخیزداری کشور و بیکار شدن از ابتدای اردیبهشت ماه، دست به تجمع مقابل کارخانه نکاچوب واقع در شهرستان میاندورود در استان مازندران زدند. به گزارش میانخبر، این تجمع اعتراضی با دخالت نیروهای انتظامی و امنیتی و وعده مسئولان منابع طبیعی مازندران (منطقه ساری) مبنی بر تمدید قراردادشان به طور موقت خاتمه یافت.

*بامداد روز شنبه ۲۴ فروردین، کارگران خطوط ابنیه فنی راه آهن لرستان در اعتراض به عدم پرداخت چند ماه حقوق و حق بیمه دست از کار کشیده و مقابل ساختمان اداره کل راه آهن تجمع کردند. به گزارش ایلنا، دلیل تجمع این کارگران

پرداخت نشدن دو ماه حقوق ماههای بهمن و اسفند سال ۹۷ و ۵ ماه حق بیمه (اسفند ۹۶ و فروردین، دی، بهمن و اسفند ۹۷) است. این کارگران زیر نظر شرکت پیمانکاری تراورس مشغول کارند. کارگران خطوط ابنیه فنی راه آهن لرستان صبح روز یکشنبه ۲۵ فروردین برای دومین روز متوالی در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدهای معوقه و حق بیمه خود دست از کار کشیده و مقابل ساختمان اداره کل راه آهن تجمع کردند.

*روز سه شنبه ۲۷ فروردین، جمعی از اتوبوسداران در اعتراض به محدودیت تردد ناوگان سنگین در محور کرج - چالوس با به صف کردن اتوبوسهای شان اعتراض شان را به نمایش گذاشتند. به گزارش ایسنا، مدیرکل راهداری و حمل و نقل جاده ای البرز در همین رابطه گفت: در صورت موافقت پلیس راه استان به زودی امکان تردد ناوگان سنگین از محور کرج - چالوس ایجاد می شود.

*روز سه شنبه ۲۷ فروردین، تانکداران تخلیه فاضلاب قم در اعتراض به نبود محلی برای تخلیه فاضلاب شهری و افزایش سه برابری عوارض تخلیه در تلمبه خانه، دست از کار کشیده و با برپایی تجمع خواستار تجدید نظر مسئولان شرکت آبفا شدند. به گزارش صدا و سیمای رژیم، از چند روز پیش تلمبه خانه مخصوص تحویل فاضلابهای شهری از پذیرش فاضلاب مراکز خدماتی مانند رستورانها و مهمانپذیرها به علت بالا بودن میزان چربی این فاضلابها خودداری می کرد و این موضوع باعث سردرگمی رانندگان برای تخلیه اینگونه فاضلابها شده است. علاوه بر این عوارض ۵ هزار تومانی تحویل اینگونه فاضلاب نیز به ۱۵ هزار تومان افزایش یافته است.

*عصر روز دوشنبه ۲۶ فروردین و صبح روز سه شنبه ۲۷ فروردین، جایگاه داران سوخت در اعتراض به پرداخت نشدن کارمزد سال ۹۷ و اجرا نشدن وعده پرداخت حق العمل در وزارت نفت تجمع کردند. به گزارش ایلنا، معترضان در ادامه به محل انجمن جایگاه داران سوخت مراجعه کرده و خواسته های خود را تشریح کردند.

*به گزارش هرانا، روز چهارشنبه ۲۸ فروردین، گروهی از ساکنان روستای اشلق از توابع شهرستان میانه، مقابل ساختمان فرمانداری این شهرستان اقدام به برگزاری تجمع اعتراضی کردند. معترضان دلیل تجمع خود را اعتراض به وضعیت راه ارتباطی و عدم رسیدگی مسئولان، عنوان کردند. اشلق روستایی از توابع شهرستان میانه در استان آذربایجان شرقی واقع شده است.

*به گزارش موکریان، روز چهارشنبه ۲۸ فروردین، جمعی از رانندگان تاکسی تلفنی شهرستان سقز، در اعتراض به راه اندازی سیستم تاکسی اینترنتی ماکسیم و شرایط نامناسب کاری خود، مقابل ساختمان شهرداری این شهرستان اقدام به برگزاری تجمع اعتراضی کردند.

*روز چهارشنبه ۲۸ فروردین، کارگران کارخانه «قند فسا» واقع در جنوب شرقی شیراز، در اعتراض به پرداخت نشدن مطالبات مزدی خود دست از کار کشیده و در محوطه کارخانه تجمع کردند. به گزارش ایلنا، کارگران علت برپایی این اعتراض را یک ماه معوقات مزدی اسفند ماه به همراه عیدی و پاداش سال ۹۷ اعلام کردند. شهرستان فسا در فاصله ۱۳۰ کیلومتری جنوب شرقی شیراز واقع شده است.

*روز پنج شنبه ۲۹ فروردین، جمعی از حامیان حقوق حیوانات در اعتراض رفتار نامناسب ماموران زنده گیری سگهای سرگردان شهرداریهای بومهن، رودهن و پردیس، دست به تجمع مقابل شهرداری بومهن زدند. به گزارش ایرنا، یکی از این تجمع کنندگان گفت: ما از نحوه زنده گیری حیوانات سرگردان در شهرستان گلایه داریم.



*روز آدینه ۳۰ فروردین، جمعی از کشاورزان اصفهان با تجمع از ادامه ساخت خط انتقال آب از دریاچه قایقرانی ذوب آهن واقع در شهرستان لنجان به کارخانه ذوب آهن جلوگیری کردند و با یک دستگاه لودر بخشی از کانال عبوری خط لوله این طرح را پر کردند. به گزارش ایرنا، بر اساس قانون و طبق بند ۲ مصوبه ۹ ماده ای شورای عالی آب که در سال ۱۳۹۲ تصویب شد، هر گونه بارگذاری جدید بر زاینده رود تا تعیین تکلیف حقآبه داران و جبران خسارات آنها، ممنوع است.

*عصر روز شنبه ۳۱ فروردین، جمعی از کامیونداران خرائق در اعتراض به امر نوبت دهی حمل فراورده های معدنی دست به تجمع زده و کامیونهای شان در مسیر منتهی به معدن مظفری دربخش خرائق در استان یزد به صف کردند. به گزارش ایرنا، آنها خواستار رسیدگی به امور صنفی مربوط به خود شدند. بخش خرائق در شمال یزد و ۵۰ کیلومتری شهرستان اردکان و در مسیر جاده اردکان به طبس قرار دارد.

*کارگران کارخانه نساجی یزدباف روز شنبه ۳۱ فروردین، دست از کار کشیدند و در محوطه کارخانه تجمع کردند. به گزارش ایران کارگر، کارگران کارخانه نساجی یزدباف که در این تجمع شرکت داشتند همگی دارای ۱۹ تا ۲۷ سال سابقه کاری هستند.

کارگران معترض خواستار دریافت ۲۰ ماه دستمزد و سایر مزایای معوقه خود شدند.

اخبار کوتاه بر اساس ویدئوهای منتشر شده در شبکه های اجتماعی

شنبه ۳ فروردین / تجمع مالکان اراضی شاداب عبدال (موسوم به دست مشان) در دذفول

جمعه ۹ فروردین / تجمع اعتراضی مردم سیل زده آق قلا در استان گلستان مقابل فرمانداری

شنبه ۱۰ فروردین / تجمع اعتراضی سپرده گذاران موسسه کاسپین (بدرتوس) مقابل بیدادستانی مشهد

دوشنبه ۱۹ فروردین / سهامداران غارت شده پدیده شانديز اولین تجمع اعتراضی خود در سال جدید را مقابل بیدادسرای شهر مشهد مرکز استان خراسان رضوی برپا کردند

سه شنبه ۲۰ فروردین / تجمع اعتراضی غارت شدگان موسسه کاسپین مقابل ساختمان قوه قضاییه در تهران

شنبه ۲۴ فروردین / تجمع سپرده گذاران غارت شده موسسه بدر توس مقابل ساختمان استانداری خراسان رضوی در مشهد

یکشنبه ۲۵ فروردین / تجمع اعتراضی رانندگان مینی بوسها و تاکسیهای فرودگاه خمینی / تجمع سپرده گذاران سایت طلای ثامن مقابل ساختمان بیدادستانی در تهران. ماموران سرکوبگر نیروی انتظامی با معترضان درگیر شدند / تجمع خریداران خودروهای ثبت نامی سایپا مقابل ساختمان وزارت صنعت معدن و تجارت در تهران

دوشنبه ۲۶ فروردین / تجمع مشتریان نگین خودرو و رامک خودرو / تجمع گروهی از جایگاهداران پمپ بنزین و گاز سی ان جی مقابل وزارت نفت / تجمع اعتراضی حواله داران شرکتهای خودروی داخلی مقابل بانک مرکزی

سه شنبه ۲۷ فروردین / تجمع غارت شدگان موسسه کاسپین مقابل ساختمان بیدادسرای جرائم مالی در تهران

چهارشنبه ۲۸ فروردین / تجمع خریداران خودروهای ثبت نامی از گروه خودرو سازی سایپا مقابل ساختمان معاونت بازرگانی و فروش این شرکت در تهران

پنجشنبه، ۲۹ فروردین / تجمع سپرده گذاران پدیده شانديز در مشهد مقابل ساختمان استانداری خراسان رضوی / تجمع اهالی رسانه و مطبوعات کوهدهشت مقابل مجلس

پرونده آسانژ

آسانژ قهرمان شفافیت نیست، اما زندان هم جای او نیست. یک محاکمه در آمریکا می تواند دوباره به او تریبونی بدهد که دیگر شایستگی اش را ندارد.

تانس / گاردین / اشپیگل
برگردان: بابک

هفت سال اقامت جولیان آسانژ، بنیانگذار "ویکی لیکس"، در سفارت اکوادور در لندن پایان یافته و او بی تردید تصور نمی کرد اقامتش اینگونه به آخر برسد. او روز پنجشنبه ۱۱ آوریل (۲۲ فروردین) پس از لغو پناهندگی اش، در سفارت اکوادور در لندن دستگیر شد و اکنون با تهدید استرداد به آمریکا روبرو است.



"ترزا می"، نخست وزیر انگلیس، در این باره گفت: "هیچکس بالاتر از قانون نیست." منظور او اما همه آن کسانی نبود که پس از انتشار اسناد جنایات جنگی در افغانستان و عراق در سال ۲۰۱۰ می بایست تحت تعقیب قرار می گرفتند و هرگز تحت تعقیب قرار نگرفتند. آمریکا اکنون جولیان آسانژ را متهم می کند که به "بردلی منینگ" (Bradley Manning) اکنون: "چلسی منینگ" - Chelsea Manning

(Manning) در هک همین اسناد یاری رسانده است.

آسانژ در سالهای اخیر همدلی بسیاری را بین چپهای لیبرال از دست داده است. به ویژه حمایت انتخاباتی کم و بیش آشکار او از دونالد ترامپ و نیز طرح مکرر تئوریهای توطئه پیرامون بحران پناهندگان این تصور را به وجود آورد که اینجا یکنفر در تب و تاب تلافی، خود را به کلی گم کرده است. برخورد ویکی لیکس با اسناد آشکارا حساس در مقایسه با افشاگریهای قبلی اش نیز دیگر به واقع نشانی از مسوولیت شناسی نداشت.

اما همه اینها مساله قابل بحث سیاسی است و نه قضایی. آری، بهتر بود آسانژ در سال ۲۰۱۲ به جای فرار به سفارت کشوری که خود در حال محدود کردن آزادی بیان و جنایی سازی اعتراضها بود، خود را به پلیس سوئد معرفی می کرد و اجازه بازجویی به خاطر اتهام تجاوز را می داد.

خدمت مهم ویکی لیکس روشنگری افکار عمومی بود، دقیقا همین افکار عمومی که تمایلی به تحمیل نتیجه گیری سیاسی از این افشاگریها نداشت. با این حال، اطلاعاتی وجود دارد که اهمیت انتشار شان، زیرپا گذاشتن قوانین را نیز توجیه می کند؛ به این دلیل زندان جای جولیان آسانژ نیست، همانگونه که چلسی منینگ هم هرگز نمی بایست به زندان می افتاد.

اما آسانژ خودنما بی گمان یک پیشتاز معتبر شفافیت و کنترل دموکراتیک قدرت نیست (یا دیگر نیست). دادرسی در باره استرداد و - اگر این امر به واقعیت پیوندد - محاکمه اش در آمریکا، به او تریبون قدرتمندی می دهد که در حقیقت امروز دیگر شایستگی اش را ندارد.

*چند فاکت در این باره

جولیان آسانژ کیست؟

جولیان آسانژ (۴۷ ساله)، شهروند استرالیا و پایه گذار پلاتفرم افشاگر ویکی لیکس است. او در دانشگاه ملبورن ریاضیات،



فیزیک و اینفورماتیک تحصیل کرد. او با اسم مستعار "مندکس" (Mendax) - معادل لاتین برای "کاذب" - یک هکر به نام شد و صفحات اینترنتی ناسا و پنتاگون را هک کرد.

از سال ۲۰۱۰ که ویکی لیکس اسناد حساس آمریکا از جنگ افغانستان و عراق را منتشر کرد، آسانژ بیم استرداد به آمریکا را داشت. پس از آنکه سوئد در همین سال او را به اتهام تجاوز جنسی تحت پیگرد قرار داد، آسانژ خود را

به پلیس انگلستان تحویل داد. او با وثیقه آزاد شد، با این حال در جون ۲۰۱۲ به سفارت اکوادور پناهنده شد.

ویکی لیکس چیست؟

ویکی لیکس یک پلاتفرم افشاگر است که در آن کوشندگان سیاسی اینترنتی فعالیت می کنند. اولین بار در سال ۲۰۱۰ این وب سایت با انتشار صدها هزار سند اغلب محرمانه آمریکا در باره جنگ در افغانستان و عراق، جنجال بزرگی به پا کرد. سرچشمه بخشی از این اسناد، یک سرباز ارتش آمریکا، "بردلی منینگ" (Bradley Manning) اکنون: Chelsea Manning)، بود.

در دوره داغ مبارزه انتخاباتی آمریکا در سال ۲۰۱۶، ویکی لیکس به دلیل انتشار ای میلهای اطرافیان نامزد حزب دموکرات، هیلاری کلینتون، زیر انتقاد رفت. براساس گزارش ۲۰۱۸ دادستان ویژه، "رابرت مولر" (Robert Mueller)، این ای میلهها را سازمان ضد جاسوسی ارتش روسیه از حزب دموکرات به سرقت برده بود.

مناسبات بین دونالد ترامپ و آسانژ چگونه است؟

فقط یک خط ربط غیرمستقیم وجود دارد: ویکی لیکس به دلیل آنکه در جریان مبارزات ریاست جمهوری آمریکا ای میلهای حزب دموکرات را منتشر کرد، زیر ذره بین قرار داشت.

پس از انتخاب ترامپ به ریاست جمهوری، پایه اجتماعی ویکی لیکس فرو پاشید. هواداران چپ و لیبرال این پلاتفرم منتقد بودند که آسانژ با ضربه زدن به کلینتون، به طور غیرمستقیم از ترامپ پوپولیست حمایت کرده است. دموکراتهای آمریکا او را متهم کردند که اسناد هک شده به وسیله سرویس امنیتی روسیه را منتشر کرده است. سرویسهای امنیتی آمریکا این اتهام را با "سطح بالای اطمینان" تایید کرده اند.

آسانژ خود در ابتدا امید کمرنگی به این داشت که با رفتن ترامپ به کاخ سفید، شانس او برای بیرون آمدن از سفارت در آینده نزدیک بیشتر شود. اما راستهای تندرو که ترامپ به کابینه اش آورده، می خواهند از آسانژ مایه عبرت برای افشاگران احتمالی آینده بسازند.

چرا اکوادور از آسانژ رو برگرداند؟

رییس جمهوری اکوادور، "لنین مورنو" (Lenin Moreno)، تلاش زیادی برای مخفی کردن خواست خود مبنی بر اخراج آسانژ از سفارت نمی کرد. او آسانژ را در مناسبتهای مختلف "هکر"، یک "مشکل به میراث مانده" و "ریگ کفش" نامیده بود.

او روز پنجشنبه در یک سخنرانی ویدیویی آسانژ را متهم کرد شرایط "سخت‌مندانه" پناهندگی اکوادور را نقض کرده و در مسایل داخلی کشورهای دیگر دخالت کرده است. مورنو مدعی شد آسانژ دستگاه‌های ممنوعه الکترونیکی در سفارت نصب کرده، با محافظان بدرفتاری کرده و "داده‌های امنیتی سفارت ما را بدون اجازه برداشت کرده است".

مورنو گفت کاسه صبرش وقتی لبریز شد که ویکی لیکس دولت اکوادور را به طور مستقیم تهدید کرد. روز سه شنبه تیم حقوقی آسانژ یک کنفرانس مطبوعاتی برگزار کرد که در آن "کیتو" (پایتخت اکوادور) متهم به جاسوسی غیرقانونی از آسانژ شد.



پس از پیروزی مورنو در انتخابات ۲۰۱۷، سرنوشت آسانژ هم رقم خورد. رئیس‌جمهور پیشین، "رافائل کوررا" (Rafael Correa)، آسانژ را بدون هر گونه تردید حمایت کرد و به او پیشنهاد پناهندگی داد.

مورنو نامزد ائتلاف "حزب پایز" به رهبری کوررا بود، اما در این مورد از او فاصله گرفت. به نظر می‌رسید که مورنو، آسانژ را به عنوان ماترکی از سالهای کوررا و مانعی در بهبود رابطه با ایالات متحده می‌دید. این در حالی بود که مورنو به طور ویژه از انتشار ای میلیهای که موجب سرافکندگی دو جانبه کلینتون و ویکی لیکس شد، قدردانی می‌کرد.

روز پنجشنبه رئیس‌جمهور پیشین، کوررا، که اکنون به دشمن سرسخت مورنو بدل شده، در یک توییت او را "بزرگترین خائن در تاریخ اکوادور و آمریکای لاتین" نامید.

مورنو در اواخر سال گذشته مقررات جدید و سختی برای آسانژ وضع کرد که بر اساس آن به او هشدار داده شده بود از نوشتن تفسیر سیاسی در شبکه‌های اجتماعی خودداری کند و به او امر شد حماش را تمیز کرده و از گربه‌اش بهتر مراقبت کند. سپس در ماه مارس ۲۰۱۸ مورنو اینترنت آسانژ را قطع و یک مسدود کننده سیگنال (Jammer) برای قطع ارتباط او با دنیای خارج نصب کرد و مصرانه از وی خواست که شرایط پناهندگی‌اش را رعایت کند. آسانژ در مقابل شکایت کرد که رابطه او را با ملاقات کنندگان و جهان بیرون از سفارت قطع کرده‌اند.

تغییر رویکرد اکوادور از مدتها پیش خود را به نمایش گذاشته بود و به این ترتیب احتمال دستگیری را قوی کرده بود. یک نشانه این امر کنفرانس مطبوعاتی سردبیر ویکی لیکس، "کریستین ارافنسون" (Kristinn Hrafnsson) در لندن بود. او گفت از جولیان آسانژ در سفارت در مقیاس وسیع جاسوسی شده است و ابعاد این مساله او را به یاد فیلم "شو ترومن" (The Truman Show) می‌اندازد. به گفته او در سفارت اکوادور فیلم و صدا برداری می‌شده که ویکی لیکس به تازگی آن را کشف کرده است.

در اوایل امسال به نظر می‌رسید که صبر مورنو به آخر رسیده و ناخشنودی‌اش از آسانژ به یک مساله شخصی بدل شده. در یک گفتگوی رادیویی مورنو شکایت کرد که "تصویر اتاق خواب من، اینکه چه چیزی می‌خورم و همسر، دختر و دوستانم چطور می‌رقصند" در شبکه‌های اجتماعی پخش شده است. دولت اکوادور اعلام کرد، گمان می‌کند این عکسها را ویکی لیکس بیرون داده است.

ویکی لیکس هفته گذشته توییت کرد که پس از انتشار یک "رسوایی بهشت مالیاتی" در دولت مورنو، وی اظهار داشته که به زودی در باره سرنوشت آسانژ تصمیم‌گیری خواهد کرد. این رسوایی که در اکوادور به "اسناد اینا" (Ina Papers) شهرت یافته، حاکی از پرداختهای مشکوک به مورنو از یک حساب بانکی در پاناما است. مورنو هرگونه تخلف در این رابطه را رد می‌کند.

چه چیزی اکنون به انتظار او نشسته؟

دستگاه قضایی آمریکا آسانژ را به توطئه با همدستی منینگ متهم می‌کند. وزارت دادگستری انگلیس روز پنجشنبه در بیانیه‌ای پیرامون درخواست استرداد آمریکا گفت که آسانژ متهم شده که به منینگ برای هک کلمه عبور یک شبکه کامپیوتری دولت آمریکا یاری رسانده است.

اگر آسانژ به آمریکا مسترد شود، با تهدید زندان ابد روبرو خواهد بود. بریتانیا اما اعلام کرد اگر مجازات مرگ در انتظار بنیانگذار ویکی لیکس باشد، او را به آمریکا تحویل نخواهد داد و این تصمیم "در هر شرایطی" معتبر است. به گفته وکیل آسانژ او می خواهد در برابر استرداد از خود دفاع کند.



خروش مردم اهواز، پاسخ به تبهکاری سپاه

زینت میرهاشمی

فراسوی خبر... شنبه ۲۴ فروردین

روضه خوان نماز جمعه رژیم در حالی که لباس تروریستی بر تن کرده بود در یک لاف کلان اعلام کرد که اگر ولی فقیه اجازه دهد «تل آویو را با خاک یکسان» می کنیم. اما او نگفت که سالهاست ایران را ویران کرده و به روی خود نیاورد که ولی فقیه و پایوران حکومت مردم سیل زده را بدون امکانات رها کرده و مشغول نمایش مد لباس تروریستی هستند.



آخوند موحدی کرمانی در روز آدینه ۲۳ فروردین در یک دروغ از جنس دروغهای گوبلز از حمایت «آحاد مردم» از سپاه دم زد و مدعی شد «همه ایران سپاه پاسداران» است. البته حرف آخر این آخوند جنایتکار به این معنی درست است که؛ همه ایران در دست سپاه است و این نیروی چپاولگر همه ایران را ویران کرده است.

در همین روز مردم دلیر اهواز در چند منطقه این کلان شهر خشم و نفرت خود را از حاکمیت و یکی از سرکردگان سپاه با فریاد «برو گمشو» نشان دادند.

فیلمهای منتشر شده در شبکه های اجتماعی نشان می دهد که مردم اهواز پاسدار نقدی که برای سلفی گرفتن به اهواز رفته بود را با شعارهای خود مجبور به فرار کردند.

در روز آدینه ۲۳ فروردین مردم در عین دو (سیدکریم) در غرب شهر اهواز، در ملاشیه در جنوب اهواز، در کوی الدایره (شلنگ آباد)، کوی علوی (حی الثوره) و ... انزجار عمیق خود را از حکومت ضد مردمی با شعارهای کوبنده اعلام کردند.

مردم می دانند و با صدای بلند اعلام می کنند که سپاه تبهکار پاسداران به جای هدایت سیل به سوی «هور» ها سیلابها را به سمت زمینهای کشاورزی و روستاها و شهرها هدایت می کند. هم میهنان عرب می گویند سپاه می خواهد با ویران کردن خانه و کشتزارهای این بخش از شهر، ما را آواره گوشه و کنار کشور کند. مردم به زبان عربی شعار می دادند: «رادونه انذل ما ذلینه» (خواستند ذلیل بشیم، اما نشدیم).

خامنه ای و پاسداران جنایتکار او که با اقدامات مخرب خود موجب افزایش ویرانیهای ناشی از سیل شدند، باید بدانند که مردم هرگز تسلیم تبهکاریهای آنها نمی شوند.



ورود حشد الشعبی؛ گامی در جهت "سوریه ای" کردن ایران

منصور امان

فراسوی خبر... دوشنبه ۲۶ فروردین

"گمکهای" وعده داده شده پاسدار قاسم سلیمانی به سیل زدگان جنوب کشور از راه رسیده است؛ باندهای تبهکار عراقی که در استخدام رژیم ولایت فقیه هستند، زیر پوشش "امداد رسانی" وارد کشور شده و به شهرها و مناطق بحرانی لرستان و خوزستان اعزام شده اند.

ادعای باز کردن مرزها به روی مُزدوران حشدالشعبی به منظور کُمک رسانی در حالی طرح می شود که اوباش مزبور بیشتر از آنکه به یاری رساندن به کسی یا جایی شهرت داشته باشند، به غارت، باجگیری، آدمکشی و تصفیه نژادی و مذهبی در مناطق تحت تصرف یا پایش خود مشهور هستند.



گذشته از ماهیت و کارنامه این باند تبهکار، روشن نیست دسته حقوق بگیری که ناف موجودیت و فعالیت آن به کیسه دُلهای نفتی پیمانکارانش در ایران بسته شده، حامل چه نوع کُمکی برای سیل زدگان می تواند باشد.

با این حال تردیدی نیست که حشد الشعبی برای "امداد رسانی" به ایران فراخوانده شده، اما نه به مردم مُصیبت زده خوزستان و لرستان، بلکه امداد به

حاکمیت زیر فشار ج.ا که آشکارا از مهار اعتراضات و جلوگیری از صف بندی مردم این دو اُستان در مانده شده است. در سراسر مناطق سیل زده جبهه اعتراض و مقاومت علیه حاکمان بی لیاقت و فاسد کشور شکل گرفته است. مردم در حالی که رژیم ولایت فقیه و گردانندگانش را به دلیل بی اعتنایی مرگبار به شرایط خود و نابخردی و فساد در کُمک رسانی زیر ضرب گرفته اند، همزمان در برابر طرحهای غیرانسانی آن که حفظ چاه های نفت را بر جان، زیست و آینده صدها هزار تن مُقدم می شمارد، دست به مقاومت جانانه ای زده اند.

سیلی سنگین جامعه را بیش از همه سپاه پاسداران حس کرده است. این نیروی نظامی و امنیتی که پیشامد سیل و به سیه روزی کشیده شدن مردم را موهبتی گرانبها و فرصتی خوش موعد برای تضعیف باند دولتی "اعتدال" و گسترده کردن میدان تحرک خود در بازی قُدرت می دید، دست به نمایشات عوامفریبانه و گرفتن ژست ناجی زد.

واکنش طرد کننده مردم سوگوار و رنج دیده لرستان و خوزستان به این جست و خیز بی محل و ناشیانه به راستی عبرت آموز بود. هر جا که سرکردگان سپاه پاسداران خود را نشان دادند تا روی فلاکت سیل موج سواری کنند، امواج خشم و بیزاری مردم آنها را از صحنه بیرون انداخت. سیل زدگان پُل دُختر و حمیدیه، سوسنگرد و معمولان نشان داده اند که مرزبندیها و رقابتهای باندی و جناحی حاکمیت نزد آنها بی اعتبار است و سپاه پاسداران و دولت را نماد "نظام" می دانند که پس از گرانی، فقر و سرکوب، اینک راه سیل را بر آنها گشوده و با وجود در دست داشتن منابع ثروت و امکانات فراوان، به حال خود رهایشان کرده است.

گُسیل حشدالشعبی عراقی به مصاف سیل زدگان، اعتراف بی پرده حاکمیت به ناتوانی در عقب راندن جامعه مُعترض است. در همان حال که اعتراضات پراکنده به اعتراضات خیابانی تبدیل می شود، "نظام" در هراس از سیل اجتماعی در راه، همه نیروهای خود را به صحنه می آورد. روی دیگر سکه امداد رسانی حشدالشعبی، اثبات پوشالی بودن قُدرت حاکمیت در برابر توده مُصمم است.

حاکمیت با این گام روشن کرد که چه کسانی به گونه واقعی عزم و آمادگی "سوریه ای" کردن ایران را دارند. رهبران ج.ا به مردم ایران نشان می دهند که برای حفظ قُدرت و بقای خود از تبدیل کشور به صحنه تاخت و تاز خونین و ویرانگرانه باندهای مُسلح خارجی و جنگ سالاران عراقی، افغانستانی و لُبنانی پرهیز ندارند.

حاکمان ج.ا اما نتایج باژگونه ای از باز کردن مرز به روی آنها خواهند گرفت. حضور اوباش تبهکار عراقی، خشم مردم را دوچندان و انرژی اعتراضی آنها علیه حاکمان را مُتمرکز تر خواهد کرد. مردم شاهد شده اند که "نظام" به جای کُمک رسانی، آدمکش به سراغشان فرستاده است.

مردم ایران همچنانکه "نظام" را به چنین نُقطه ضعفی رسانده اند، پوزه مُزدوران خارجی آن را نیز به خاک می مالند و با پس گردنی از خاک ایران اخراج خواهند کرد.

ارسال علامت اشتباه در باره جنایت نیوزیلند

منصور امان

فراسوی خبر... دوشنبه ۵ فروردین

هرگاه "کشورهای اسلامی" قصد داشتند در واکنش به حمله تروریستی نیوزیلند پیامی مبنی بر محکومیت نفرت مذهبی بفرستند، بی تردید نه میزبان همایش مربوط به آن باید آقای اردوغان می بود و نه میهمانش ج.ا. محصول جمع شدن یکجای چنین مُقدماتی نابسزا، در بهترین حالت فرستادن علامتهای مُتناقضی است که از صف بندی روشن و قطعی با بُنیادگرایی مذهبی بی بهره است و در عمل کُمکی به انزوای آن و جلوگیری از ارتکاب جنایت به نام دین نمی کند. تصادفی نیست که فرستاده رژیم ولایت فقیه به نشست فوق العاده "سازمان همکاری اسلامی" در ترکیه، به محض پا گذاشتن به خاک این کشور در پوشش دفاع از اسلام و مُسلمانان به آزادی بیان حمله کرد. آقای جواد ظریف مُدعی شد: "کشورهای غربی به اسم آزادی بیان مُجوز همه نوع توهین علیه مُسلمانان را داده اند."

وزیر خارجه مَلاها به این ترتیب حتی پیش از آنکه همایش یاد شده برگزار شده باشد، انگیزه و هدف ج.ا. از شرکت در آن را آشکار ساخت که چیزی کمتر از بهره برداری از جنایت نیوزیلند برای تبلیغ و مشروعیت بخشیدن به رفتار و سیاستهای نابردبارانه و فرقه ای خود نیست.

در همین حال حاکمان ج.ا. از فُرصتهایی این چنین برای حفر گودالهای عمیق بین فرهنگها، ادیان و مذاهب سود می جویند. آنها می کوشند با نفی و دُشمنی با دیگران، به نظام فکری و اجتماعی خویش در برخورد به جهان پیرامون، هُویت و ثبات بدهند.

دُرُوغ آقای ظریف در باره مُجوز توهین به مُسلمانان از سوی غرب یا افترا زنی عیدانه آقای خامنه ای مبنی بر خودداری دولتهای اروپایی از تروریستی نامیدن جنایت نیوزیلند از جُمله متدهای مورد استفاده آنان برای ایجاد جبهه های مُتخاصم و تحریک مُخاطبان شان با هدف کشیدن حصار خشم و نفرت بین ادیان است.

بر تریبون محکومیت افراطیون وحشی شده، رژیمی نمی تواند قرار بگیرد که خود بخشی از کمپین جهانی تروریسم مذهبی و بُنیادگرایی دینی است و شعبه شیعی آن را نمایندگی می کند. رژیم ولایت فقیه مروج و مُجری نفرت مذهبی است که نه تنها پیروان دینهای دیگر و از جُمله آنها مسیحیان را بی رحمانه تحت پیگرد و تفتیش عقاید قرار می دهد، بلکه حتی مُسلمانان را نیز به "خودی و "غیرخودی" تقسیم می کند و آماج تبعیضهای موهن و غیرانسانی قرار می دهد.

کمتر نُقطه ای در گُره خاکی را می توان سُرّاغ گرفت که شُهرت زنده "خلافت اسلامی" آقای خامنه ای بدان نرسیده باشد. از این رو دادن میدان تحرُک و امکان زهرپراکنی به این رژیم بدنام، تنها یک تاثیر واقعی می تواند داشته باشد و آن تایید و پُر رنگ کردن تصویر خشن، مُتحجر و خونریزی است که نژادپرستان، پوپولیستها و فرقه های مُتعصب مسیحی از اسلام و مُسلمانان ترسیم می کنند.

بُنیادگرایان اسلامی و بُنیادگرایان مسیحی دو سوی یک طیف واحد را تشکیل می دهند که فعالانه به یکدیگر برای سربازگیری و تهیه خوراک فکری و انگیزشی یاری می رسانند. بدون طرد یکی، مُبارزه با دیگری نه جدی و نه موثر است. نشست استانبول نشان داد که "کشورهای اسلامی" هنوز از این هدف فاصله بسیاری دارند.



تحریمها؛ حزب الله بی پول، سوریها در صف نفت و بنزین

منصور امان

فراسوی خبر... دوشنبه ۱۲ فروردین

دو سال پیش وقتی آقای حسن نصرالله، سرکرده شبه نظامیان حزب الله، تاکید می کرد که "تا زمانی که ایران پول دارد، ما هم پول داریم"، بی تردید نمی توانست تصور کند مُعادله ای که چیده چقدر واقعی است. امروز جنگ سالار لُبنانی از

پرداخت مُزد ششولول بندهایش نیز ناتوان گردیده، زیرا تحریمهای آمریکا مانع پُر شدن صندوق مُداخله خارجی پدرخوانده اش شده است.

تنگنای مالی حزب الله در سوریه و لُبنان در هفته های گذشته موضوع گزارشات پُرشماری در رسانه های آمریکایی و اروپایی بوده است. با این حال بهترین شاهد از وخامت شرایط مالی این گروه دست نشاندۀ را رهبر آن ارایه کرده است. او ماه گذشته از مخفیگاه خود بر صفحه تلویزیون پدیدار شد تا از مُخاطبانش درخواست کُمک مالی کند. وی به سبک پدرخوانده هایش در تهران، از یک "جنگ اقتصادی" علیه حزب الله شکوه کرد و فراخوان "جهاد مالی" داد.

از هنگام راه اندازی باند شبه نظامی حزب الله، گروه لُبنانی با مساله ای به نام چالش تامین مالی بیگانه بوده است. حتی در فاز بالای تحریمهای بین المللی در دوره بُحران هسته ای، مسیر ارسال پول از "أم القُرا" گشوده باقی مانده بود. اینک اما



چنین می نماید که تحریمهای آمریکا توانسته است به گونه موثری مُناسبات مُزدوری بین دو طرف را با اخلال روبرو کند.

منابع آمریکایی هزینه ای که رژیم ولایت فقیه سالانه صرف حزب الله می کند را ۷۰۰ تا ۸۰۰ میلیون دُالر برآورد کرده اند. باند مسلح مزبور این مبلغ کلان را صرف تامین مالی مقامات و اعضای خود، پرداخت حُقوقهای جذاب به نیروهای استخدام

شده برای جنگ در سوریه، کُمک مالی به خانواده کشته شدگان، رشوه های اجتماعی در قالب تامین مسکن، کار و غذا، خرید نفوذ سیاسی و تضمین ادامه جنگ افروزی در سوریه و لُبنان می کند.

همانگونه که یکی از اعضای این گروه به نیویورک تایمز گفته، به نظر می رسد این "دوران طلایی" به پایان رسیده باشد. آبان ماه سال گذشته آمریکا از کشف یک شبکه ایرانی- روسی-سوری که از طریق درآمد فروش نفت ایران زیر نام شرکتهای روسی، به حزب الله، حماس و سپاه قُدس پول می رساند، خبر داد.

این شبکه که در راس آن یک تاجر سوری به نام محمد عامر الشویکی قرار داشت، پول به دست آورده از طریق فروش نفت قاچاق را توسط بانک مرکزی سوریه به گروه های نامبرده انتقال می داده و دولت سوریه در ازای ارایه خدمات واسطه گری، نفت رایگان یا با تخفیف دریافت می کرده است. آثار انهدام این شبکه به ویژه در تنگنای ناگهانی سوریه در تامین انرژی، خود را به نمایش گذاشته است. تنها دو ماه پس از اعلام کشف شبکه الشویکی، بنزین، نفت و کپسول گاز در این کشور نایاب گردیده و صفهای طولانی در برابر محلهای توزیع، به تصویر ثابت شهرهای این کشور تبدیل شده است.

همزمان، اوباش سوری استخدام شده توسط ج.ا که در باندهای سیاه و دسته های آدمکش سازماندهی شده اند نیز وضعیت بهتری از مُزدوران لُبنانی ندارند. روند پرداخت حُقوق و مزایای آنها نیز که به تمامی از جیب مردم ایران پرداخت می شود، به صورت پلکانی در حال زمینگیر شدن است.

اختلال در امر تغذیه گروه های مُزدور خارجی، یک ضربه حساس به حاکمیت به حساب می آید. مُداخله گری خارجی از طریق این دستجات و باجگیری به مدد آنها که "نظام" آن را "تولید اقتدار" می نامد، یک پایه اصلی ثبات و بقای استبداد مذهبی حاکم را در تمام طول حیات آن تشکیل داده است. بدون این ابزار، نظام حاکم نه فقط یک اهرم فشار علیه طرفهای خارجی اش را از دست می دهد، بلکه زیر پای نهادهای سرکوب و بقای آن در داخل نیز خالی می شود.

اگرچه تحریمهای آمریکا شرایط مُثبتي را علیه مُداخله و شرارت خارجی حُکومت شکل داده، با این حال این بر عهده مردم ایران است که به طور قطعی و پایدار به غارت خود و ریختن ثروت ملی و داراییهای همگانی به پای جنگ سالاران، ماجراجویان و بُنیادگرایان خارجی خاتمه دهند. موثر تر و سودمند تر از هر تحریمی، پایین کشیدن رژیم حاکم از تخت فرمانروایی بر سرنوشت خود است.

شهادای فدایی در اردیبهشت ماه

رفقای فدایی: محمد کاظم سعادت، خلیل سلمانی نژاد، علی اکبر (فریدون) جعفری، مرضیه احمدی اسکویی، حبیب الله



مومنی، محمود نمازی، منصور فرشیدی، هادی فرجاد، لادن آل آقا، مهوش حاتمی، شیرین معاضد (فضیلت کلام)، محمدرضا و احمدرضا قنبرپور، فرزاد دادگر، عزت غروی، ارژنگ و ناصر شایگان شام اسبی، فرهاد صدیقی پاشاکی، تورج اشتری (تلخستانی)، قربانعلی رزگار، جهانگیر باقرپور، بهروز ارمغانی، اسماعیل عابدی، زهره مدیرشانه چی، حسین فاطمی، محمود خرم آبادی، حبیب الله خسروشاهی برادران، مصطفی حسن پور اصیل شیرجو پُشت، فریده غروی، میترا بلبل صفت، عبدالله پنجه شاهی، علیرضا باصری، نسرين پنجه شاهی، هوشنگ اعظمی لرستانی، منوچهر حامدی، کمال کیانفر، امان الله ایمانی دارستانی، غلام عباس باقری، جهانگیر باقری پور، علی رضا (ناصر) بامری، زینب (طاهره) حیاتی، مسعود دانیالی، محسن رفعتی، احسان الله ایمانی، غلامحسین خاکباز، هیبت الله بهرامی سامانی، محسن بهکیش، ناصر

بهرامی، رویا علی پناه فرد، کوروش پیروزی، ابوالقاسم تاجعلی، کریم تیمور زاده، منصور جابری، نبی جدیدی، وجیهه الله چشم فروز، مقصود بیرام زاده، موسی مکاری، محمد علی حسنی، هوشنگ حنیفی، علی کرم داودی، محمد راکعی، مهشید معتصد کیوان، رضا نعمتی، کبرا حیدریان، مهدی حاتمی، مسعود دانیالی، فرشته گل انبریان و....
از سال ۵۰ تاکنون، به دست رژیمهای شاه و خمینی به شهادت رسیدند.

نبرد خلق

ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

سردبیر: زینت میرهاشمی

هیات دبیران: منصور امان، زینت میرهاشمی

هیات تحریریه: منصور امان، زینت میرهاشمی، مهدی سامع

همکاران نشریه: امید برهانی، فرنگیس بایقره، اسد طاهری، کامران عالمی نژاد، فتح الله کیائیهها

چاپ: انجمن فرهنگی نبرد

NABARD - E - KHALGH

No : 411 / 21 april 2019

Organ of the Organization of Iranian People's Fedayee Guerrillas

Executive Editor: Zinat Mirhashemi

Fax: Italia / 39 - 085 802 53 56

Price: \$ 1 – 1 euros

NABARD / B.P. 77 /91130 Ris orangis /FRANCE

NABARD /P.O Box , 1361 / Paramus.NJ / 07653 U.S.A

NABARD / Casella Postale 307 / 65100 Pescara / ITALIA

www.iran-nabard.com

E.Mail: nabard@iran-nabard.com

Published by : NABARD CULTURAL ASSOCIATION

NABARD - E – KHALGH in Telegram ///@nabard_khalg --- https://telegram.me/nabard_khalgh

NABARD - E – KHALGH in Facebook //// <https://www.facebook.com/nabardekhalghe/>

نابود باد امپریا یسم و ارتجاع جهانی – زنده باد استقلال، دموکراسی، صلح و سوسیالیسم

کمک مالی به سازمان چریکهای فدایی خلق ایران از طریق **PayPal**
به آدرس **bedostan@gmail.com**

آدرسهای سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

در شبکه جهانی اینترنت

نشریه نبرد خلق، اخبار و فراسوی خبر، رادیو پیشگام، تحلیل مسائل روز،

دیدگاهها و رویدادهای روز ایران و جهان

www.iran-nabard.com

www.jonge-khabar.com

www.radiopishgam.com

www.fadaian.org